

# راه توده

شهر مولان حزب توده ایران در تلخ از کشور

جمعه ۲۵ آذر ۱۳۶۱ مطابق  
۱۶ دسامبر ۱۹۸۲  
سال دوم، شماره ۷۲  
پهنا: ۴۰، عرض: ۱۰

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

رژیم جمهوری اسلامی ایران محاکمه تعدادی از افسران وطن پرست و مدافع انقلاب و همراه آن کادرهای حزب توده ایران را آغاز کرده است. به این ترتیب مرحله دوم توطئه ضد انقلابی علیه حزب توده ایران به اجرا گذاشته می شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از آنجا که این محاکمات با تمام موازین بین المللی و حتی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرت آشکار دارد، آن را فاقد اعتبار می شناسد و به برپایی آن شدیدا اعتراض می کند.

آنچه که در این محاکمات به عنوان اتهام طرح می شود بی شک حاصل ماهها شکنجه متهمان است، که هدف عمده آن مسخ کامل انقلاب و تیره ساختن هر چه بیشتر روابط ایران با اتحاد شوروی است.

این محاکمات در شرایطی برپا شده است، که رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر به هدف انقلاب خیانت کرده و به امپریالیسم نزدیک می شود. حزب توده ایران یک بار دیگر در این لحظات حساس از تمام احزاب، سازمان های بین المللی و نیروهای دمکراتیک جهان می طلبد تا فریاد اعتراض خود را برای نجات جان افسران میهن پرست ایرانی و نیز اعضای حزب توده ایران، که به محاکمه کشیده شده اند، بلند کنند. ما یقین داریم همبستگی نیروهای دمکراتیک جهان می تواند در این زمینه نقش حساسی ایفا کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۱۳۶۲/۹/۱۶

### آغاز "محاکمات" توده ای ها، نزدیکی بیشتر به امپریالیسم

در آخرین اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، با اشاره به محاکمات افسران میهن دوست ایرانی و کادرهای حزب توده ایران آمده است:

"این محاکمات در شرایطی برپا شده است که رژیم ج ۱۰۱۰ هر روز بیشتر به اهداف انقلاب خیانت کرده و به امپریالیسم نزدیک می شود." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۶ آذر ۶۲)

رهبران ج ۱۰ با حدت و شدت تمام متکسر آنند که یورش به حزب توده ایران، نقیضه عطفی در گسترش تلاشهای آنان برای جلب رضایت امپریالیسم جهانی بوده است. در میان وفا - داران به آرمان های انقلاب نیز، مکتبست هنوز کسانی باشند، که این حکم را مهالغخ آمیز ارزیابی کنند. اما نگاهی به انعکاس گسترش پیوندها و مناسبات آشکار و پنهان حاکمیت ج ۱۰ با امر - یالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در مطبوعات و منابع خبری جهان بیانگر آنست، که هم نزدیکی روز افزون حکام ج ۱۰ به امریالیسم جهانی، و هم شتاب افزایش این نزدیکی به دنبال یورش سرکوب گرانه بر حزب توده ایران یک واقعیت انکار ناپذیر است.

در اواخر سال گذشته به دنبال یورش سه حزب توده ایران، و اظهارات تأکید آمیز و شمشیر گرانه سران امپریالیسم جهانی در کنفرانس ویلیامزبورگ، روزنامه "میدل ایست اکونومیست" نوشت:

"هم اکنون تعداد زیادی از تجار غربی از ج ۱۰۱۰ که اغلب از آن به عنوان رژیم مرده یا در حال احتضار و قطع امید شده نام برده بقیه در صفحه ۱۴

### دست خائنین به انقلاب از جان پیگیرترین مدافعان آن کوتاه باد!

مردم ایران!  
سرنگون کنندگان رژیم شاه - ساواک!  
وزمندان قیام بیروزمندان ۴۴ بهمن  
آزاداندیشان جهان که قلبتان برای حقیقت می تپد!  
خائنین به آرمانهای انقلاب شوکوند بهمن ۵۷، پس از ۱۱ ماه وعده "محاکمه" عطفی اعضای حزب توده ایران - این بی گزیرترین مدافعان

انقلاب - سرانجام برپائی بیدادگاه های نظامی را آغاز کردند. در این بیدادگاه های فرد وست (ارتشبد شاهنشاهی و رابط سازمان "سیا" ساواک و دربار) پرداخته، تعدادی از شریف ترین افسران میهن دوست و مدافع ایران، که طی سالهای پیروزی انقلاب با تمام اندیشه و بقیه در صفحه ۱۳

در اسبوسن سنی کالی جهانی:  
به نام ۲۰۶ میلیون کارگر جهان این  
"محاکمات"، فرمایشی را محکوم می کنیم!

### بار دیگر خشم مردم در تظاهرات گسترده تجلی یافت!

نارضایتی و خشم مردم از اعمال سیاست های ضد مردمی حاکمیت ج ۱۰، هر روز جلوه تازهای بخود می گیرد.

در پی تظاهرات گسترده و پر دامنه مردم افسریه در تابستان اسال به خاطر نبود آب، مخالفت و اعتراض شدید مردم شیراز به دلیل اجرای تصمیمات تنگ نظرانه مسئولین شهر بقیه در صفحه ۷

حزب کمونیست فرانسه سرکوب توده ای ها، مجاهدین و وزمندان کرد و کینه دمکراتهای ایران را محکوم کرد

## پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

# نیروهای مترقی جهان:

## احکام از پیش صادر شده بیدادگاه‌های نظامی ج.ا.و، فاقد ارزش است!

بر پائی بیدادگاه‌های نظامی ج.ا.و، که پشت درهای بسته آن جمعی از افسران میهن دوست و تودهای دیند، به جرم دفاع از محرومان و آرمان‌های انقلاب " محاکمه " می شوند، موج گسترده و عظیم اعتراضات و تظاهرات و اعتصابات غذای مردم مترقی جهان را برانگیخته است. صد ها حزب، جمعیت و

### فرانسه

روزنامه "اومانیته" - روز ۹ دسامبر - گزارش مفسر خود را پیرامون صحنه‌هایی از دادگاه فرمایشی تدهای دیند و جمعی از افسران

سند یگای کارگری و دمکراتیک جهان، از اولین دقایق پخش خبر برپائی دادگاه‌های فرمایشی تودهای دیند، بیکارچه به پاخاستند و با ارسال نامه و تلگرام، برقراری ارتباط تلفنی، حضور در سفارتخانه‌های ج.ا.و در کشورهای مختلف، اقدامات ضد قانونی، ضد بشری و اتخاذ شیوه "محاکمه" سریع فیزیکی جمعی از افسران وطن دوست، تودهای دیند و تمامی مخالفان سیاسی حکومت را زیر پوشش برگزاری بیدادگاه‌های نظامی در بسته بدون حضور وکلای مدافع، خبرنگاران خارجی و هیأت‌های ناظر بین المللی، محکوم کردند. خبرهای رسیده حاکی است که برخی از مقامات مسئول سفارتخانه‌ها از روبرو شدن با نمایندگان این هیأت‌ها سرباز می‌زنند و تمامی آنها که از توجه سیاست‌های قانون شکنانه و ضد انسانی حکومت متبوع خود عاجزند، از ارائه پاسخ صریح به خواست‌های مبرم و به حق این نمایندگان طفره می‌روند. در پاره‌های موارد سنگاه مخسباتی دولت ج.ا.و از دریافت تلگرام‌های



اعتراضی که حاوی خواست شرکت دانات در دادگاه‌های فرمایشی است و برقراری ارتباط با مقامات ج.ا.و آشکارا امتناع می‌کنند. " راه توده " ضمن تقدیر از اعتراضات انسان دوستانه و تأیید خواستهای برحق این نمایندگان افکار عمومی مترقی جهان به درج گوشه‌هایی از آن مبادرت می‌ورزد.

میهن دوست که در سیمای ج.ا.و به نمایش گذاشته شده، به چاپ رساند. این روزنامه، ضمن محکوم کردن اقدامات غیر قانونی و نقض اصول و موازین بین المللی و انسانی، از جانب سردمداران و برپا کنندگان این بیدادگاه‌های نظامی می‌نویسد: " دادگاهی که حتی معلوم نیست، در آن چه کسی توسط چه کسی و به خاطر چه محاکمه

می‌شود! محاکمه‌ای که اظهارات مقامات در باره آن، فردای همان روز رسماً تکذیب می‌شود. محاکمه‌ای که صحنه‌هایی از آن در تلویزیون بسته نمایش گذارده می‌شود ولی خبرنگاران و ناظرین اجازه حضور در آن را ندارند. چنین است به اصطلاح عدالتی که از دو روز پیش در تهران در حال اجراست!

روزنامه "اومانیته" سپس می‌نویسد:

" از حضار تصویری نشان داده نمی‌شود؛ از وکلا نیز به همین ترتیب، وانگهی حتی معلوم نیست که اصلاً متهمین حق دفاع دارند یا نه! دیروز صبح خبری باعث تعجب می‌شود: مطبوعات ایران گزارش می‌دهند که در حقیقت فقط یک تن از ۵ نفر مورد بحث به عنوان متهم در دادگاه حاضر بوده؛ ناخدا افضلی او بقیه شاه‌هدان ساده " دادگاه بوده‌اند و نیز اعلام می‌شود که محاکمه حزب توده نبوده و محاکمه " سازمان مخفی " این حزب در کسار است! " سازمان مخفی‌ای " که به گفته " دادستان، در ارتش، ژاندارمری و پلیس به منظور " جاسوسی " نفوذ کرده بودند. در این محاکمه جعلی از سه نفر نظامی صحبت می‌شود ولی تا کنون فقط ناخدا افضلی در مقابل دادگاه حاضر شده است "

● در روزنامه "اومانیته" به تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) خبر زیر همراه با عکس‌هایی متشکل از وکلای فرانسوی درج شده است:

" چهارشنبه ۷ دسامبر ( ۱۶ آذر ) هیأتی متشکل از وکلای فرانسوی، به سفارت ایران در پاریس مراجعه نمود تا نامه‌ای را که در آن نسبت به نقض حق دفاع از متهمین اعتراض شده و نجات جان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی در ایران خواستار گردیده است، به مقامات سفارتخانه تسلیم سازد.

**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

# حزب کمونیست فرانسه سرکوب توده‌های، مجاهدین و رزمندگان کرد و کلیه دمکراتهای ایران را محکوم کرد

کلیه دمکرات های ایران را محکوم نموده ، از مردم آزادی خواه می طلبد تا با تمام نیرو به اعتراض برخاسته ، آزادی زندانیان و استقرار حکومت قانون را در ایران طلب کنند . حزب کمونیست فرانسه ، مردم این کشور را به اقدامات مختلف ، از جمله گسیل هیأت نمایندگی و ارسال تلگرام و طومار به سفارت ایران در پاریس فرا می خواند . در پایان فراخوان ، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و نجات جان تمامی اعضای حزب توده ، ایران مطرح شده است .

فراخوان حزب کمونیست فرانسه :  
" دولت ایران ، آغاز محاکمات توده های های در بند را در تاریخ ۶ دسامبر ( ۱۵ آذر ) اعلام نموده است - با توجه به " اعترافاتی " که تحت شکنجه های جسمی و روانی به دست آمده و اعدام هایی که در پایان اینگونه محاکمات صورت می گیرد ، می توان نتیجه محاکمات را پیش بینی نمود .  
حزب کمونیست فرانسه ، یاردیگر قاطعانه " سرکوب توده های ها ، مجاهدین ، رزمندگان کرد و

نامه مذکور به امضای شخصیت های زیر رسیده است :

• سرژ دینه • پل دوتانیز • موریس کاستل • ریو دکاستل نو • پاتریس کوان سبا • نیکسول دریفوس • جون نردمان • کلود تهرود • میشل رامدو • شارل لدمن .

لازم به یاد آوری است که تا کنون جمع کثیری از حقوقدانان و وکلای فرانسوی و خارجی ، حضور در جلسات محاکمه توده های های در بند را خواستار شده اند ، ولی مقامات ایرانی ، از دادن اجازه ورود به آنان برای سفر به این کشور ، خودداری می کنند .

## ث. ژ. ت. ( کنفدراسیون عمومی کار ) بزرگاری دادگاه های علنی را خواستار شده است

اطلاعیه ث. ژ. ت. ( کنفدراسیون عمومی کار ) ، که در روزنامه " اومانیته " در ششم دسامبر ( ۱۵ آذر ) درج شده بدین مضمون است :  
" نظر به اینکه مقامات حکومتی ایران ، شیوه " احکام سریع فیزیکی را در مورد مخالفان سیاسی خویش اعمال می کنند ، و ت. م. مراتب نگرانی شدیدی خود را نسبت به سرنوشت متهمینی که محاکمات آنان اعلام شده است ، اعلام می نماید و مقامات مسئول ایران را موظف به رعایت حقوق حقه متهمین و به ویژه ، حق انتخاب آزادانه وکیل مدافع می داند . وکلای مدافع منتخب از سوی متهمین ، باید بتوانند بدون هیچ گونه محدودیتی ، وظیفه دفاعی خویش را انجام دهند . محاکمات باید به صورت علنی برگزار گردد و شرکت حقوق دانان و ناظرین بین المللی در جلسات دادگاه تضمین گردد .

• سناتورهای کمونیست عضو کمیسیون امور خارجه مجلس سنای فرانسه ، طی مخابره تلگرافی به سفارت ایران در پاریس ، اختناق در ایسران را قاطعانه محکوم نمودند . آنان خواستار آزادی زندانیان سیاسی مترقی و استقرار دمکراسی در ایران شدند . امضاء کنندگان عبارتند از : جان گارسیا و شنی و رولاند پرلی بان .

## کمونیستهای اسپانیا برپائی دادگاه نظامی را محکوم می کنند

در تاریخ ۱۲ دسامبر ، هیأتی از طرف " کانون وکلای جوان در اسپانیا " ، به سفارت ج. ا. ا. در مادرید مراجعه و نامه ای با متن زیر ، به مقامات این سفارت خانه تسلیم نموده است :

" ما محاکمات توده های ها را که در پشت در های بسته انجام می گیرد ، و متهمین آن که از هیچ گونه حقوق قضائی ، از جمله حق داشتن وکیل بر - خوردار نبوده اند ، مردود می شمیریم و خواستار آنیم که به هیأتی از جانب " کانون " اجازه بقیه در صفحه ۴ .

## طپش نورانی

به طبع در دل من باطپشی نورانی  
آن امید می کشد که هوس می بندار  
در سرم غرض طوفان دگر می زیند  
غرضی کفر نتوان یافت بطوفان بهار

که ز یاد عهدی بیاران نه ز کج طبعی بخت  
نه ز بیداد ستیزان نه بیایند امید  
کز چه هامون در و صحرا گذرمت این طوفان  
مخجولت صخره ی برهمنه می باید آمد

هل ، که بر خیزم و افتاد ، علم بر گزرم  
طبل می کوبد و جیش اندی پیش رود  
کاروانی است که آماج خواهد ره نافت  
بار بر بندد ، و از تو به ره خویش رود

## فدراسیون سندیکائی جهانی :

# به نام ۲۰۶ میلیون کارگر جهان این " محاکمات " ، فرمایشی را محکوم می کنیم !

است ، که این قبیل اعمال وحشیانه و مستبدانه ناقض موازین حقوق بشر ، آزادی های دمکراتیک و به ویژه حقوق سندیکائی است و از مسئولین دولتی ج. ا. ا. می خواهد که به این موازین احترام گذارند ، محاکماتی را که در جریان است ، به طور عمومی و علنی و با حضور وکلای خارجی و نمایندگان مطبوعاتی و خبری جهانی ، برگزار نمایند .

" فدراسیون سندیکائی جهانی " ، تضمین حقوق سندیکائی زحمتکشان ایران را ، خواستار است .

دبیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی  
ابراهیم زکریا

فدراسیون سندیکائی جهانی ، به نام ۲۰۶ میلیون عضو خود در سراسر جهان ، نگرانی خویش را نسبت به انجام محاکمات دمکراتهای ایرانی در بند ، خصوصاً آنهایی که در عرصه کارگری فعال بودند ، ابراز می دارد .  
در تلگرام از جمله آمده است :  
" نباید پذیرفت " اعترافاتی " که از طریق خشونت بار شکنجه های جسمی و روانی ، از یازده داشت شدگان به دست آمده ، پایه اتهامات وارده بر " متهمین " در این دادگاهها قرار گیرد و بدین وسیله ، حکم محکومیت مبارزان سیاسی و رهبران کارگری ، که مبارزات شجاعانه آنان علیه دیکتاتوری شاه ، زیانزد همگان است ، صابد گردد .  
فدراسیون سندیکائی جهانی ، بر این عقیده

# احکام از پیش صادر شده پیدادگاههای

بقیه از صفحه ۳

ورود به ایران و شرکت در جلسات محاکمات داده شود . ما در انتظار پاسخ فوری مقامات ج ۱۰ به درخواست خود هستیم .

● حزب کمونیست اسپانیا ، با اعزام هیأتی به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید و تسلیم نامه‌ای به مقامات این سفارتخانه ، مراتب اعتراض خود را نسبت به زیر پا گذاشتن قوانین مسلم قضائی در جریان محاکمات افسران انقلابی ابراز اشتغال نامه چنین است :

" ما عمیقاً نگران جریان محاکماتی هستیم که به تازگی در ایران آغاز شده است . ما خواهیم آنیم که مطابق با مصوبات سازمان ملل متحد ، به هیأتی مرکب از روزنامه نگاران و وکلای مدافع اجازه داده شود ، در جریان این محاکمات حضور داشته باشد . لازم به توضیح می‌دانیم ، این عمل ما به معنای هیچ گونه دخالتی در امور کشور شما نیست ، بلکه درخواست ما ، مبنی بر ابتدائی‌ترین حقوق کلیه زندانیان سیاسی مصوب اعلامیه جهانی حقوق بشر است ."

این نامه ، همراه با اسامی کلیه افسران انقلابی‌ای که برای آنان دادگاه نظامی ترتیب داده شده ، در روزنامه ارگان حزب به چاپ رسیده است .

● از طرف حزب کمونیست متحده اسپانیا ، هیأتی همراه با نامه اعتراضی و خواست‌های زیر به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید به مقامات سفارتخانه مراجعه کرده است :

۱- جلوگیری از خطر اعدام افسران آزادی-خواه .

۲- اجازه ورود به هیأتی بی طرف ، مرکب از حقوق دانان ، پزشکان متخصص در امر شکنجه و خبرنگاران به ایران ، جهت ملاقات با زندانیان و شرکت در جلسات محاکمات آنان .

حزب کمونیست متحده اسپانیا ، هم چنین اعتراض خود را نسبت به موارد زیر بیان کرده است :

۱- عدم حضور خبرنگاران خارجی و داخلی در دادگاهها .

۲- عدم برخورداری از حق آزاد انتخاب وکیل مدافع .

● جنبش احیاء و اتحاد حزب کمونیست-اسپانیا- طی صدور بیانیه‌ای که توسط چند تن از اعضای هیأت اجراییه این حزب تحویل سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید گردید ، مراتب نگرانی خود را از وقایع جاری کشور اعلام نمود و به ویژه در رابطه با محاکمه افسران میهن دوست ، نقش قوانین ابتدائی حقوق بشر توسط دستگاه قضائی ج ۱۰ را شدیداً محکوم کرد و خواستار اعزام هیأت بی طرفی به ایران ، جهت انشای جریان محاکمات این افسران آزادی خواه گردید . حزب ، همچنین نسبت به عدم حضور وکلای مدافع و روزنامه نگاران داخلی و خارجی در جریان دادرسی اعتراض نمود

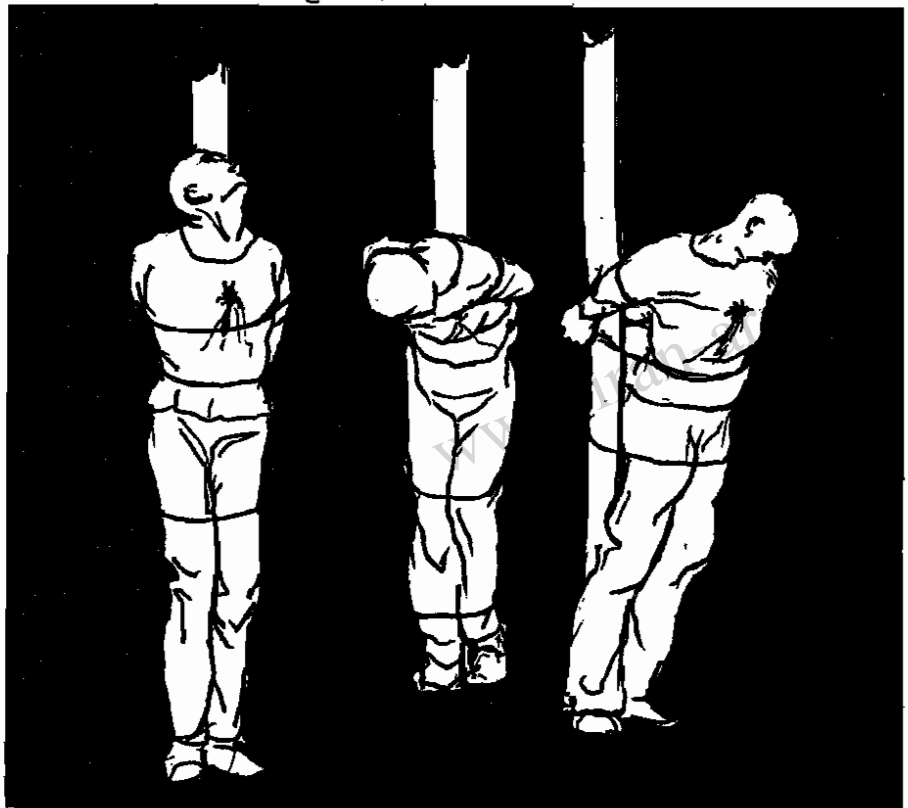
● سازمان عفو بین‌المللی در کاتالونیا ، طی ارسال تلگرامی به تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید خواستار اعزام هیأتی از طرف این سازمان ، جهت شرکت در دادگاه های افسران میهن دوست ایرانی گردید . سازمان همچنین تقاضا کرده است که در صورت امکان از طریق هیأتی با زندانیان سیاسی دیدار و شرایط آنان را از نزدیک بررسی نماید . سازمان قبلاً نیز بارها ، چنین خواستی را مطرح کرده است .

● سازمان هواداران سازمان ملل در کاتالونیا ، تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید مخابره و طی آن نگرانی خویش را از وقایع جاری ایران

" سازمان حقوق بشر " ، از مراجع قضائی ج ۱۰۱۰ خواست که به متهمین فرصت دهند ، از طریق انتخاب آزاد وکلای مدافع ، از خود دفاع نمایند و نیز خبرنگاران داخلی و خارجی ، اجازه حضور در دادگاه داشته باشند .

سازمان هم چنین ، طی یادداشتی که به سفارت ایران تسلیم نموده است ، نسبت به جسو فشار و اختناق در ایران اعتراض کرده است . اعتراض این سازمان ، عمدتاً پیرامون محور محاکمات افسران میهن دوست و دمکراتی است که اخیراً در دادگاههای ج ۱۰ محاکمه می‌شوند .

لازم به یادآوری است که این سازمان نیز به دفعات متعدد ، خواستار آن شده است که هیأتی را جهت بررسی وضع زندانیان به ایران ، اعزام دارد . سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید پس از مدت ها تأخیر و بی توجهی در پاسخ به این درخواست بالاخره طی نامه‌ای به سازمان حقوق بشر در مادرید اطلاع داده است ، اجازه ورود به چنین



هیأتی به ایران ، مشروط بر آنست که این سازمان ، ابتدا کارنامه ۶ ساله فعالیت های خود را به سفارت تسلیم کند ، تا در این مورد تصمیم اتخاذ گردد .

● " سازمان جوانان کمونیست اسپانیا " ، طی تسلیم نامه‌ای اعتراضی به مقامات سفارت ج ۱۰ در مادرید ، توسط چند تن از اعضای هیأت اجراییه سازمان ، احکام صادره از طرف دادگاههای نظامی ایران را در مورد افسران میهن دوست و انقلابی بی اعتبار دانست و نسبت به نقض حقوق بشر در کلیه مراحل دستگیری ، بازجوئی و محاکمات ، به دولت ایران هشدار داده است ، صراحتاً خواستار آن شده تا به هیأتی مرکب از پزشکان ، وکلای و خبرنگاران اجازه داده شود ، تا شرایط زندانیان را از نزدیک بررسی کنند .

بقیه در صفحه ۵

ابراز و اعزام هیأتی از حقوق دانان را به این کشور خواستار شده است .

● سازمان صلیب سرخ در کاتالونیا ، با ارسال نامه‌ای در تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) به سفارت ج ۱۰۱۰ ، برای چندمین بار ، درخواست اجازه بررسی وضع زندانیان از طرف گروهی از اعضای سازمان ، پافشاری نمود .

● " سازمان حقوق بشر " در اسپانیا ، تلگرامی به سفارت ایران در مادرید مخابره کرده ، که طی آن بر رعایت موازین حقوقی و قضائی در جریان محاکمه افسران میهن دوست تأکید ورزیده و خواستار آن شده است ، که احکام صادره در مورد متهمین ، به علت آنکه مقامات ج ۱۰ ابتدائی‌ترین قوانین و مقررات قضائی و انسانی را در مورد آنان رعایت نکردند ، لغو گردد .

## احکام از پیش صادره

بقیه از صفحه ۴

سازمان همچنین، مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به عدم حضور خبرنگاران داخلی و خارجی و نیز وکلای مدافع در جلسات دادگاه، افسران داشته است.

● روزنامه "کثیرالانتشار آل پوئبلو" ضمن درج خبر مربوط به محاکمه افسران میهن دوست ایرانی، در دادگاههای نظامی ایران، متذکر شده که "متهمین از داشتن وکیل مدافع محروم بود هاند و محاکمات در پشت درهای بسته انجام شده است."

● "حزب کمونیست کارگری اسپانیا"، از طریق اعزام هیأتی، مرکب از چند تن از اعضای کمیته اجراییه حزب به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید نسبت به نقض موازین حقوق بشر در جریان بازجوئی و محاکمه افسران انقلابی و وطن دوست که در دادگاههای نظامی در بسته محاکمه و محکوم شده هاند، شدیداً اعتراض کرده است.

این حزب، داشتن وکیل مدافع و حضور خبرنگاران داخلی و خارجی را حق مسلم متهمین دانسته و لغو احکام صادره در ایسن دادگاهها را خواستار شده است برای چندمین بار، برخواست اعزام هیأتی مرکب از حقوقدانان و پزشکان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان پافشاری نموده است.

## تظاهرات دمکراتهای سوئد علیه "برپائی دادگاههای نظامی" توده‌ای‌ها

روز ۶ دسامبر (۱۵ آذر)، از طرف کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای "در سوئد، تظاهراتی علیه دادگاه نظامی توده‌ای‌ها، در میدان مرکزی استکهلم برگزار گردید. در این مراسم، پتر نسلر، مسئول کمیته دفاع سخنانی ایراد کرد، که طی آن به سکوت رسانه‌های گروهی غرب، منجمله سوئد، در باره جنایاتی که در ایران انجام می‌گیرد و گسترش رابطه بازرگانی سوئد با ایران و نزدیک شدن ایران به غرب اشاره نمود و سپس به تشریح بازسازی سازمان اطلاعات و مکانیزم سرکوبی که در آن سپاه پاسداران و ساواک شاه به رهبری فردوست، مشترکاً فعالیت می‌کنند و جو ترور، اختناق و شکنجه حاکم در ایران پرداخته می‌شود، اشاره کرد. "کسب" از رهبران حزب توده ایران، تحت شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی اشاره کرد و ادامه داد:

"اکنون حاکمیت ج ۱۰۱۰ برای تثبیت چرخش به راست و شاد کردن ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی، حزب توده ایران را به دادگاه نظامی کشیده و برای نابودی آن، از هیچ اقدامی روی گردان نیست. ما این دادگاهها را محکوم می‌کنیم و اعزام وکلای سوئدی را که آمادگی خود را اعلام نموده‌اند، به ایران و شرکت در محاکمات توده‌ای‌ها خواستاریم."

پس از سخنان نسلر، فراخوانی از جانب هواداران حزب توده ایران در سوئد خواننده

شد که طی آن، از کلیه آزادی‌خواهان سوئد و جهان، سازمان‌ها و احزاب دمکراتیک و شخصیت‌های ملی و صلح دوست، درخواست شده بود تا تمام امکانات خود را در جهت ساختن جنبش‌های ضد استبداد و ضد استعمار و جنبش‌های آزادی‌خواه و برپائی دادگاههای نظامی توده‌ای‌ها را محکوم کنند. در فراخوان، همچنین آمده است که حکومت ج ۱۰۱۰، با این عمل قانون شکنانه خود که نقض اصول ۲۲، ۴۳، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی است، دست خود را برای نابودی و قتل عام میهن پرستان ایران بازگذاشته است. سپس از افکار عمومی متربی خواسته شده است، برخواست پرگزارای دادگاههای علنی، با شرکت ناظران بین‌المللی، حق انتخاب آزاد وکیل مدافع برای متهمین و نیز اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و

اعلام کرده است. این رفتار قانون شکنانه ج ۱۰۱۰ مغایر با قانون اساسی، از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۹ آن است. ما از دولت و مجلس سوئد می‌خواهیم که برای جلوگیری از قتل عام‌های در حال تکوین در ایران، کلیه امکانات خود را به کار برند و از خواست‌های ما مبنی بر برگسزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظرین بین‌المللی، موافقت با ورود هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک پشتیبانی و نقض موازین حقوق بشر را در این کشور، محکوم نمایند.

تلگرام دیگری نیز، از طرف تظاهر کنندگان، به رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، مخابره گردیده که متن آن چنین است: "شرکت کنندگان در تظاهرات ۶ دسامبر، متشکل از احزاب و سازمان‌های سیاسی در سوئد



حقوق دانان، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک پافشاری نمایند.

پس از خواندن فراخوان، تظاهر کنندگان در صفوف منظم و مشعل به دست با حمل پلاکات و دادن شعارهایی مانند: "دادگاههای نظامی توده‌ای را متوقف کنید"، "به شکنجه زندانیان پایان دهید"، "زنده باد همبستگی با حزب توده ایران" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، به طرف پارلمان سوئد راه پیمائی کردند. در مقابل پارلمان، قطخنماهای که خطاب به اولاف پالمر، نخست وزیر و نیز وزیر امور خارجه و رئیس پارلمان این کشور، صادر شده بود، خوانده شد، که طی آن آمده است:

"مدت ده ماه از دستگیری توده‌ای‌ها می‌گذرد. این مبارزین را به خاطر کسب "اعتراف" به جرم‌هایی که هرگز مرتکب نشده‌اند، تحت وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار داده‌اند. عده‌ای از آنان، در اثر شکنجه‌های وارد به شهادت رسیدند و حاکمیت ج ۱۰۱۰، مرگ آنان را به عنوان خودکشی

همراه با موج گسترده جمعیت‌های بین‌المللی به برگزاری دادگاه نظامی علیه توده‌ای‌ها و افسران میهن دوست، شدیداً اعتراض می‌کنند و خواستار تشکیل دادگاههای علنی با شرکت ناظران بین‌المللی هستند. صلاحیت دادگاهها باید از نظر بین‌المللی شناخته شده باشد و متهمین طبق اصل ۳۰ قانون اساسی ایران، از حق انتخاب آزاد وکیل مدافع، برخوردار باشند. سازمان‌ها و احزاب زیر متن تلگرام را امضا نمود هاند:

- کنگره ملی آفریقا • سازمان مترقی ترکیه
- دفتر همبستگی ترکیه (دیسک) • دفتر زنان مترقی ترکیه • حزب چپ کمونیستها • حزب کمونیست کارگری سوئد • جوانان کمونیست سازمان جوانان کمونیست سوئد • حزب کمونیست عراق • سازمان دانشجویان عراقی
- سازمان دانشجویان کرد در اروپا - شاخه سوئد • جبهه خلق برای آزادی فلسطین • حزب کمونیست فلسطین • حزب کمونیست شیلی • حزب



# ”ارجی“ که حا کمت جمهوری اسلامی برای زنان قائل است

داعیه سردمداران ۱۰۰، مبنی بر ”ارج نهادن به مقام زن“ و ”بزرگ داشتن شان او، هم آهنگ و هم خوان با افزایش پخامت وضع زنان در جامعه ما، پیش می رود. بی پایگی این ادعاها، به خوبی از ”بیانات“، و اقدامات حاکمان پیداست.

آنچه آنان به عنوان ”مقام زن“ از آن یاد می کنند، در واقع شأنی است که در خورد هیچ موجودی نیست. توهین و تحقیر و بی حرمتی به ”زن“ تنها ارمغانی است که حاکمیت ج ۱۰ به زنان ما پیشکش کرده است. نگاهی کوتاه به عرصه هایی که زنان در اثر مبارزات پی گیر و جانبا زانه خود، ”حق“ فعالیت در آنها را به دست آورده اند، این واقعیت را به روشنی ثابت می کند:

۱- در عرصه ”آموزش“، ”پس راندن“ زنان به سیاست عمده مسئولان آموزش و پرورش بدل شده است.

برنامه آموزشی که مطابق قانون اساسی ج ۱۰ می باید اجباری و به رایگان انجام گیرد، نه تنها به اجرا در نمی آید، بلکه مجریان قشری امر آموزش در میهن ما، با ایجاد موانع ساختگی در راه تحصیل کودکان ایرانی به خصوص دختران، در جهت عکس آن عمل می کنند. جدا ساختن دختران و پسران روستائی در دوره ابتدائی و محروم ساختن بسیاری از دختران روستائی از تحصیل به بهانه فقدان امکانات تشکیل کلاس های مجزا - منحل کردن رشته ریاضی در اغلب دبیرستان های دخترانه، ممنوعیت تدریس دبیران مرد در کلاس های دخترانه، با وجود رعایت کامل حجاب، اخراج بهترین و با تجربه ترین دبیران و معلمان زن به جرم دگراندیشی، انحلال کلاس هایی که کمتر از ۲۰ دانش آموز دارند، تنزل کیفیت کتاب های درسی دختران و تغییر محتوای آن، به بهانه آماده کردن دختران جهت ”انجام وظیفه اصلی“ یعنی خانهداری و بچه داری و محروم ساختن زنان از تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی مانند کشاورزی و دامپروزی، رشته های مختلف فنی و مهندسی، زمین شناسی و معدن، باستان شناسی و غیره و هم چنین محروم کردن زنان فارغ التحصیل از کسب تخصص در رشته های معین، از جمله اقدامات مقامات مسئول آموزش و پرورش ج ۱۰ است.

۲- در عرصه اجتماعی، این تضيیقات ابعاد فاجعه آمیزی به خود می گیرد:

زنان هر چه بیشتر از صحنه اجتماع دور و به خانه ها رانده می شوند، حقوق آنان نه تنها محترم شمرده نمی شود، بلکه از حقوق محدودی که در اثر مبارزات طولانی به دست آورده اند محروم می گردند.

حاکمیت راستگرای ج ۱۰، با زیر پا گذاشتن

قانون اساسی، که با خون مردم نوشته شده است، به جای الغای قانون مدنی رضا شاهی، با تشکیل دادگاه های مدنی خاصی و برپائی دادگاه هایی که بر اساس ”فقه اسلامی“ و ”فتاوی مندرج در رسالات دادخواستهای مطروحه را حسل و فصل می کنند امید زنان را به یأس بدل ساخته است. امروز زنان ایران از حق طلاق، ازدواج بدون رضایت ولی، حتی پس از رسیدن به سن قانونی، حق سرپرستی و ولایت اطفال در صورت طلاق یا فوت همسر، حق مسامت و حتی خروج از منزل بدون اجازه ولی یا همسر، حق قضاوت، حق شهادت مستقل در دادگاه ها، حق اشتغال به حرفه مورد علاقه بدون اجازه همسر یا ولی محرومند.

در مقابل، مردان می توانند هر لحظه که اراده کنند، همسر خود را طلاق گویند و تا چهار زن عقدی و بی نهایت زن ”صیغه“ را در آن واحد، به عنوان همسر در خانه نگهدارند. زنان پس از طلاق هیچ گونه حقی نسبت به دارائی خانواده که با کوشش مشترک به دست آمده ندارند.

مطابق قانون قصاص که به تصویب رسیده است، انسانها مانند دران بربریت به کوچک ترین بهانه ای با ضربات شلاق و سنگسار کردن و قطع دست و غیره مجازات می شوند. جسم و روح انسان در فرهنگ ج ۱۰ کوچک ترین ارزشی ندارد.

۳- در عرصه کار و فعالیت نیز، وضع به همین موال است:

اصل ۱۱ قانون اساسی ج ۱۰، حق انتخاب کار را برای عموم به رسمیت می شناسد اما در عمل این حق از زنان گرفته شده، تکیه غیر منطقی حاکمیت راستگرای ج ۱۰ بر روی وظیفه مادری، باز شسته کردن زنان کارمند یا ۱۵ سال سابقه کار، تصویب قانون نیمه وقت کردن زنان کارمند، محدود کردن مهدکودک ها و کودکان ها، اخراج بی رویه زنان از کارخانه ها و ادارات و هم چنین اخراج چندین هزار نفر از زنان روشنفکر از مدارس و دبیرستان ها و حتی دانشگاه ها، به جرم دگراندیشی و ”زن بودن نشانه بارز نگرش قشری و ارتجاعی ج ۱۰، در مسئله اشتغال زنان است.

مطابق اصل بیست و هشتم قانون اساسی، حاکمیت ج ۱۰ موظف است برای کلیه افراد امکان کار مناسب فراهم کند. جو حاکم بر کارخانه ها و ادارات کاملاً مغایر این اصل مرفی قانون اساسی است. مدیران ”توانسا“ی کارخانجات، زنان کارگر را به بهانه های واهی چون عدم رعایت حجاب اسلامی، بی کاری مردان، صرفه جوئی در هزینه ها و ... اخراج می کنند. اعتبارات مربوط به شیر خوارگاهها و مهدکودک ها را محدود و محدودتر می سازند. دیده شده است که زنان کارگر را به جرم اعتراض به شرایط

غیر انسانی کار، به عنوان تنبیه به کارهای سخت و نامناسب با وضع جسمی آنان گمارده اند و این نوع تنبیه عواقب وخیمی در پی داشته است. بسیاری از زنان پس از استفاده از مرخصی زایمان، کار خود را از دست می دهند. احساس عدم امنیت شغلی، زنان را وامی دارد تا از این حق قانونی خود استفاده نکنند. زنان زحمتکش و نیازمند میهن ما به شدت توسط سرمایه داران غارتگر استثمار می شوند و در مقابل کار مساوی پسا مردان، دستمزد کمتری دریافت می دارند. انسان از امکان آموزش حرفه ای و کسب مهارت و ارتقای شغلی برخوردار نیستند.

قشریون راستگرا و نیروهای تسلیم شده حاکمیت ج ۱۰، به جای رسیدگی به مسائل واقعی و اساسی مردم، مسائل جنسی از جمله مسئله حجاب را پیش می کشند و آن را عمده می کنند، تا پشت این سپر آهنین، از گزند هر گونه اعتراضی در امان بمانند. در طول سال های اخیر، فشار تنگ نظرانه در مورد حجاب یکی از عوامل عمده ناراضی تراسی بوده است.

۴- در عرصه آزادی های دکرانیک و سیاسی وضع زنان اسف بارتر است.

این واقعیتی است که امروزه در کشور ما، کمترین نشانی از موازین آزادی های دکرانیک باقی نمانده است و زنان، هم چون همه مردم ایران از نبود این ابتدائی ترین حق زیستن رنج می برند. زندان های ج ۱۰، از زندانیان سیاسی پر شده است و بخش بزرگی از آنان را زنان انقلابی تشکیل می دهند. حقوق انسانی زندانیان به وحشیانه ترین و خشن ترین شکلی زیر پا گذارده می شود. زنان هنگام دستگیری مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و آنان را با کودکان شیرخوارشان و کسانی که تنها جرمان وابستگی خانوادگی با مبارزین سیاسی است، دستگیر می کنند. خانواده ها تا مدت ها از سرنوشت عزیزان خود بی خبر می مانند. زندانیان، از حق ملاقات و داشتن وکیل مدافع محرومند و به منظور کسب اطلاعات و با ابراز مطالب مورد دلخواه پاسداران اختناق، مورد شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار می گیرند. موارد اعمال تجاوز جنسی در زندان ها کم نیست، عاملان این جنایات استدلال می کنند ”چون دختران پاکره پس از مرگ به بهشت می روند باید آنان را از این موهبت محروم کرد.“ از این رو محکومین به اعدام را پیش از اجرای حکم به ”صیغه“ زندانیان در می آورند. آنها بدین ترتیب برای وحشیانه ترین شکنجه ها توجیه شرعی می تراشند.

نبودن دادگاه های صالحه، عدم حضور هیأت منصفه بی طرف، صدور احکام محکومیت های سنگین و زندان های طویل المدت و اعدام های بقیه در صفحه ۷

# بار دیگر خشم مردم در تظاهرات گسترده تجلی یافت!

بقیه از صفحه ۱

مبنی بر زنانه - مردانه کردن اتوبوسهای مسافر-بری - در آبان ماه - و اعتراضات جمعی ضد جنگ محرومان شهرهای مختلف که از ادامه سیاست " جنگ ، جنگ ، تا پیروزی " به جان آمد هاند ، پارد یگ - جنوب تهران ، به سه صحنه زد و خورد های خونین و تظاهرات گسترده مردمی بدل شده ، که با تجربه شخصی و آگاهی خود دریافته اند ، اقدامات حاکمیت ج ۱۰ علیه منافع زحمتکشان در داخل کشور ، در سیاست خارجی آن نیز تبلور می یابد و اعمال هیمن سیاست ، انقلاب و میهن ما را به سوی شکست نهائی سوق می دهد .

به گزارش خیرگزاری ها ، " ناطق نوری در یک صاحب مطبوعاتی فاش ساخت در د و روز گذشته ( در زده خورد ) بین گروهی از افغانیان مقیم تهران و عد های از مردم تهران ۲ تن کشته شدند " وی گفت :

" روز جمعه ، در ناحیه ای از جنوب تهران که محل رفت و آمد اصلی مردم می باشد ، زد و خوردی روی داد . . . . به دنبال این حادثه گروهی از اهالی به راه پیمائی پرداختند . . . هم زمان در ور امین نیز تظاهرات مشابهی روی داد . "

بر پائی این گونه تظاهرات و ابراز ناراضی ها که از چشمه روندی قانونمند آب می خورد ، ریشه در ژرفای بحران همه سویه و حادی دارد ، که سر پای جامعه ما را فرا گرفته است . اعمال سر-

سختانه سیاست های امپریالیسم پسندانه از جمله تلاش برای سازمان دادن توطئه گسترده و جنگ اعلام نشده علیه انقلاب افغانستان ، با همکاری مستقیم با امپریالیسم جهانی و با خسرچ مردم محروم ما ، اکنون اصلی برآمد این بحران است . مدتهاست که تقدیم بلاغوس سرمایه های مردم به امپریالیست ها - به بهانه " جبران خسارت آنان - احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، دعوت مکرر از صاحبان بخش خصوصی " به میدان داری " ،

بازگرداندن زمین های زیر کشت به " خان های به آفوش مام وطن بازگشته " ، تحدید هر چه بیشتر حقوق حقه کارگران - که در اثر مبارزات طولانی علیه رژیم طاغوت کسب کرد ماند - و بی اعتنایی مطلق به خواستها و نیازهای اساسی و میبرم آنان ، اعمال ستم و تحقیر به بیش از نیمی از جمعیت ایران - زنانی که در امر مبارزه برای سرنگونی شاه از هیچ کوششی دریغ نکردند -

اعمال فشارهای طاقت سوز بر جوانانی که اینک بی کار ، بدون امکان تحصیل ، بی برنامه و وجود روزنه امید ، به حال خودرها شده و یا به سه قربان گاه های جنگ توسعه طلبانه کسپیل می شوند ، سرکوب خونین و سبانه پی گیرترین مدافعان حقوق مردم و آرمان های انقلاب ،

تحمیل و مسلط ساختن جو پلیسی و نا امنی مطلق بر جامعه ، ترویج و اعمال بی قانونی در تمامی عرصه ها . . . . با پذیرایی تبلیغاتی از " به

اصطلاح مجاهدان افغان " توام شده است . به گواهی بازمان سازمان ملل شرایط زندگی فرزندان افغان در ایران ، از شرایط زندگی هموطنان آنان در کشورهای همسایه بهتر است . حاکمیت ج ۱۰ ، در این میهمان نوازی پر خسرچ مقاصد سیاسی آشکارا ارتجاعی را دنبال می کند . هدف حاکمیت ج ۱۰ آنست که پس از نا امیدی دولت پاکستان از پیروزی توطئه های ضد انقلابی علیه افغانستان میهن ما را به پایگاه اصلی توطئه امپریالیستی براندازی انقلاب افغانستان تبدیل کند .

به گزارش روزنامه " ج ۱۰ " تعداد افغانیان مقیم ایران به ۱/۵ میلیون نفر رسیده است . نزدیک به نیمی از آنان پیش از پیروزی انقلاب شور افغانستان در جستجوی کار و تأمین معاشی به ایران آمده بودند . پس از سرنگونی شاه و گسترش جنگ اعلام نشده با انقلاب افغانستان ، این زحمتکشان محروم به ناگاه با پذیرائی های نوازش های غیر مترقبه رهبران ج ۱۰ مواجه شده بودند .

دوستان و بستگان و هم ولایتی های خود را نیز به مهاجرت به ایران و بهره گیری از این خسان نعمت فراخواندند . فعالیت دسته های تبهکار و قاچاقچی و جنایت کار در میان مهاجرین - افغانی که در رأس آنها فتوید الهی ضد انقلابی افغانی قرار دارند ، دامن گیر توده زحمتکشان محرومی که آلت دست امپریالیسم جهانی ، ضد انقلاب افغانستان و توسعه طلبان ج ۱۰ هستند

نیز شده است . و در جو بدبینی و نفرتی کسه نسبت به مفت خورانی که به بهای همکاری با امپریالیسم جهانی ، و به بهانه صدور " انقلاب اسلامی " به افغانستان ، سفره تهی مردم محروم ما را تهی تر می کنند ، برخورد های خونین ، از قبیل آنچه که در هفته گذشته در تهران اتفاق افتاد ، بهیچ وجه دور از انتظار نیست . با ادامه

سیاست کنونی حاکمیت ، این برخورد ها در آینده چه بسا در مقیاس گسترده تر تکرار خواهند شد . تظاهرات گسترده های که روز جمعه گذشته در تهران به پا شده ، بار دیگر درستی رهنمود های حزب مارادار این زمینه ها به نمایش گذاشت . ما

گفتیم و می گوئیم شرکت در توطئه امپریالیستی علیه انقلاب و جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان ، به سود مردم دو کشور نیست . این سیاست تنها و تنها ، به سود تحقق بخشیدن به خواسته های امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست .

ما می گفتم و می گوئیم مردم ایران - فرزندی همیشه در برابر همکاری با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی ، بر علیه مردم برادر افغانستان ساکت نخواهند نشست . ممکنست و می توان تظاهرات کنندگان علیه سیاست های امپریالیسم پسندانه

ج ۱۰ را دستگیر کرد و به زندان انداخت . ممکنست و می توان آزادی اعتراض مردم را به " جرم " تود های بودن ، سلب کرد و هرگونه ای حق طلبانه ای را در نقطه خفه کرد . ممکنست و

می توان با اعمال سیاست های خشن و سرکوب -

گرا نه خون مردمی که " در این زد و خورد ها " و " تظاهرات " ریخته می شود ، پایمال ساخت ، اما ممکن نیست و نمی توان برای همیشه سکوت مرگبار گورستان را بر جامعه ایران حکمفرما کرد .

اما راستگرایان و آستان بوسان امپریالیسم بی توجه به اعتراضات مردم زاه خود را ادامه می دهند . آنان راه حل های را که برای مشکلات مردم ایران برگزیده اند ، به " مهاجران افغان " نیز تحمیل می دهند . روزنامه ج ۱۰ می نویسد :

" . . . برادران افغانی با توجه به توطئه های گسترده ای که استکبار غرب و شرق و اذنا ب آنان علیه ملت انقلابی و مسلمان ایران به راه انداخته اند . . . ( ناپید ) مشتکی از منحرفیتی را که خود بهتر می شناسند ، افشا نمایند و صفوف خود را مطابق بنا صفت اسلامی " مهاجر فی -

سبیل الله " تزکیه نمایند . تا هیچکس نتواند به نام آنان و با استفاده از کسوت افغانی ، دست به سؤ استفاده بزند " ( جمهوری اسلامی - ۱۵ آذر ۶۲ ) .

اگر فارتگران بازاری توانستند با " طرد و افشاء " گرانفروشان و محترکان ، احتکار و گرانفروشی را ریشه کن سازند ، فتوید الهی ، قاچاقچیها و راهزنان افغانی نیز می توانند با " تزکیه و تصفیه " صفوف خویش ، نفرت مردم از ضد انقلاب افغانستان ، و مدافعان آنان را ، ریشه کن سازند . حاکمیت

ج ۱۰ در این زمینه نیز راه ادامه و تشدید بحران را انتخاب کرده است . \*

## "ارجی" که حاکمیت جمهوری اسلامی برای زنان قائل است

بقیه از صفحه ۶

جمعی بدون محاکمه و بدون دلایل مشخص ، از دختران ۱۴ - ۱۳ ساله تا زنان مسن ، از واقعیات روزمره زندان های ج ۱۰ است .

مادران و همسران زندانیان برای کسب اطلاع از وضع خویشان زندانی خود ساعت ها و روزها پشت دیوارهای زندان در انتظار می ماندند و مورد توهین و ایذا قرار می گیرند . مسغولان زندان ها خود را به رعایت ابتدائی ترین حقوق انسانی در مورد خانواد ه های زندانیان سیاسی ملزم نمی دانند . آنها خبر

اعداد زندانیان را در نهایت خشونت به خانواده ابلاغ می کنند و از اعمال اقدامات توهین آمیز و هتک احترام به اجساد قربانیان خود نیز ابائی ندارند .

این واقعیات دردناک ، زنان مبارز و آزاده ما را بر آن داشته است تا به طور متشکل و متحد از حقوق برحق خود و در امر خلاصی انقلاب ، از مهلکه شکست قطعی به دفاع برخیزند و در راه احیای آن بکوشند . \*

س. همانطور که شما اشاره کردید، "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار" ناقص اصل ۲۶ قانون اساسی است. ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید. ج. بله، این مسئله آنقدر واضح و روشن است، که قاعدتا نباید نیازی به توضیحات مفصل داشته باشد. ولی متأسفانه آنقدر غلبه مضمون این اصل ۲۶ تبلیغات سوء و هوام فریبانه شده است که انجمن همبستگی و دیگر سازمانهای صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان مجبور شده‌اند بارها و بارها محتوای این اصل قانون اساسی را برای کارگران توضیح دهند.

متأسفانه امروزه شرایط کشورمان طوری است که ما مجبوریم الفبای قانون اساسی را به کسانی، که خود زمانی طرفدار آن بوده‌اند، یادآوری کنیم. اصل ۲۶ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ می‌گوید:

"احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا

اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور کرد."

خوب، بیاییم تک تک این اصل مهم قانون اساسی را که ضامن فعالیت آزادانه صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان است، بررسی کنیم تا معلوم شود واقعاً ت جامعه ما تا چه حد با اصول مردمی قانون اساسی فاصله دارند و روز به روز هم این فاصله بیشتر می‌شود. با اینکه این اصل فقط به حقوق صنفی مربوط نمی‌شود ولی ما در این جا، خود را فقط به جنبه صنفی آن محدود می‌کنیم. جمله اول اصل ۲۶ می‌گوید:

"انجمن‌های صنفی آزادند."

این جمله کوتاه و صریح و روشن است. انجمن‌های صنفی، یعنی تشکلهایی از اعضای هر صنف که برای نمایندگی و دفاع از منافع آن صنف خاص ایجاد می‌شوند آزادند. این صنف را به طور کلی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. صنف متشکل از کارفرمایان و صنف زحمتکشان. در این مورد، در مقاله نامه بین‌المللی شماره ۸۷ در باره آزادی سندیکایی و حمایت از حقوق سندیکایی صوب ۱۳۲۷ چنین آمده است:

"زحمتکشان و کارفرمایان بدون هیچگونه تمایزی حق دارند بدون کسب اجازه سازمان‌های مورد نظر خود را تشکیل دهند، همچنین به این سازمانها پیوندند، تنها به این شرط، که اساسنامه آن را رعایت کنند."

البته برای برخی از صنوف در شرایط کنونی آزادی وجود دارد و روزنامه‌های رسمی ایران مرتباً آگهی‌های تشکیل آنها را به چاپ می‌رسانند. آگهی انتخابات اتحادیه صنف صنوعات فلزی، آگهی سندیکای شرکت‌های حمل و نقل پسن -

الطی، آگهی انتخابات صنف سازندگان و فروشندگان صنوعات فلزی، آگهی انتخابات اتحادیه صنف سیمانکاران و موزاییک سازان، اطلاعیه صنف بافروشان و حق العمل کاران و از این قبیل. جالب توجه است که تمامی این صنوف متعلق به کارفرمایان بزرگ و کوچک است. در روزنامه‌های رسمی ج ۱۰، جانی بسیاری تبلیغ و آگهی انجمن‌های صنفی کارگری نیست، زیرا در واقع انجمن‌های صنفی کارگری و دیگر زحمتکشان تحت شدیدترین فشارها قرار دارند.

این واقعیت نشان می‌دهد، که آن بخش از اصل ۲۶، که در برگزیده منافع کارفرمایان است، مورد تأیید حاکمیت ج ۱۰ قرار می‌گیرد. ولی بخش مربوط به منافع کارگران و زحمتکشان نادیده گرفته شده و نقض می‌گردد. طرح شوراها، صوب مجلس در واقع تثبیت این واقعیت دردناک است. این طرح حتی برای کارگران و زحمتکشان در تشکیل آزادانه انجمن‌های صنفی قائل نیست و آن را به شورا

هایی محدود می‌کند، که باید طبق خواست حکومت، با نظارت و کنترل شدید آن و با حضور عوامل کارفرما تشکیل شوند.

بررسی اصل ۲۶ را ادامه می‌دهیم. در جمله دوم این اصل آمده است:

"مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی را نقض

نکنند."

در واقع انجمن‌های صنفی، که به دست و خواست و اراده خود کارگران تشکیل شود، نمی‌تواند ناقص هیچ یک از اصول فوق باشد. منافع کارگران و زحمتکشان ایجاد می‌کند، که هر عاقلان و هر قدشان در جهت تثبیت و تقویت خواستههای انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد. مگر در گرد هم آیی کارگران و زحمتکشان چه مسائلی مطرح می‌شود، که ممکن است اصول فوق را نقض کند؟ هیچ. ولی آیا در مورد انجمن‌های صنفی کارفرمایان هم وضع همین مشوا

است؟ آیا سرمایه‌داران هم طرفدار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میهن‌مان هستند؟ آیا فقط انجمن‌های صنفی کارگران و زحمتکشان از این نظر مورد شک و تردید حکومت قرار دارند؟ حکومت ج ۱۰ نشان داده است، که نمی‌خواهد به این

سوالات پاسخ منطقی و روشن بدهد و در عوض طرح کنندگان این گونه پرسش‌ها را تحت شدیدترین بی‌گداری قرار می‌دهد. کارگران و زحمتکشان ایران، در طول ۵ سال پس از انقلاب ثابت کرده‌اند، که بار اصلی انقلاب بر دوش آنان بوده است. آنها با تحمل سختی‌ها و دشواریهای حاصل انقلاب، سندانم‌کاری

ها و راست‌روی‌های حاکمیت، همواره در صف اول مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع

گفتگو بایکی از مسئولین "انجمن همبستگی"، به

# مسخ محتوای طبقاتی "طرح تشکیل شورا"

کارگران منعمان حقایق و احادی تولیدی خود

بوده‌اند. بار اصلی جنگ‌ها و دشر کارگران و زحمتکشان بوده است. این را خود رهبران ج ۱۰ نیز بارها صدیق کرده‌اند. ولی در هر چه شد؟ در عمل کارفرمایان می‌توانند آزادانه انجمن صنفی داشته باشند ولی در سر راه تشکلهای محدود کارگران و زحمتکشان نیز سنگ اندازی می‌شود.

به جمله آخر اصل ۲۶ بپردازیم:

"هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها (انجمن‌های صنفی) منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها (انجمن‌های صنفی) مجبور کرد."

باز در اینجا هم باید گفت که حکومت ج ۱۰، برخیزد د کانهای با این جمله دارد. تا آنجا که مربوط به منافع کارفرمایان و سرمایه‌داران است، البته این اصل مراعات می‌شود. ولی هنگامیکه نوبت به کارگران و زحمتکشان می‌رسد مجلس طرح شوراها را تصویب می‌کند، که صریحاً ناقص این اصل است. طبق تبصره ماده ۱۴

این طرح کلیه کارکنان واحد مجبور به شرکت در شورا هستند. در این طرح صحبتی از تشکلهای دیگر کارگری نشده و در حقیقت فرض را بر عدم وجود آنها گذاشته‌اند. یعنی همان چیزی که در "آئین نامه شورای اسلامی کارکنان" صوب شورای عالی کار در ۹ مرداد ۱۳۵۹ صریحاً ذکر شده است. در این آئین نامه، هر گونه تشکل کارگری "غیر از شورا" منع می‌شود. بنابراین ما در اینجا

با بررسی تک تک جملات اصل ۲۶ قانون اساسی باه طرح شوراها به این نتایج می‌رسیم که:

اولاً: طرح شوراها اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض می‌کند.

ثانیاً: طرح شوراها، نشانه برخورد دوگانه حکومت نسبت به کارگران و سرمایه داران است.

ثالثاً: طرح شوراها، ناقص صوبات بین‌المللی در مورد روابط کار و کارگری است.

س. همانطور که شما اشاره کردید "طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار" را در حقیقت می‌توان قانون دولتی کردن تشکلهای کارگری دانست، که توسط تصام حکومت‌های ضد کارگری به اجرا درمی‌آید. آیا از این نظر چیز تازه‌ای در ایمن "قانون" می‌توان دید؟

ج. بله، واقعیت این است، که تمام حکومت‌هایی که به سیاست‌های ضد کارگری روی آورند، ناگزیر باید مسئله خود را با تشکلهای کارگری حل کنند. زمانی بود، که می‌شد این تشکلهای را نادیده گرفت و یا قصد محو و نابودی کامل آنها را داشت. این کار در دوره رضا خان تا حدی در دوره محمد رضای آمریکائی انجام می‌شد. لکن پس از مبارزات شدید کارگری در چند دهه اخیر، رشد روز افزون و سریع طبقه کارگر و تجارب انقلاب اخیر ایران، کارگران دیگر به لزوم داشتن تشکل

پسی برده‌اند. اینجا است، که حکومت‌های ضد کارگری امروز از جمله در ج ۱۰، به سیاست مسخ و دولتی کردن تشکلهای کارگری روی آورند. آنها با این کار ظاهراً تشکلهای را حفظ می‌کنند ولی از درون آنها را بی‌محتوا کرده، به صورت آلت دست خود در می‌آورند. از این نظر "قانون شوراها" چیز تازه‌ای ندارد.

ولی در عین حال، نباید فراموش کرد که قوانین دولتی کردن تشکلهای کارگری به سیاست‌ها و مقتضیات، به اشکال مختلفی در می‌آیند. هر یک سعی می‌کنند تازه‌ترین فریب‌ها و حیلها را به کار گیرند. از این نظر البته چیزهای تازه‌ای در این "طرح شوراها" وجود دارد.

اولین چیزی که در این طرح جلب نظر می‌کند این است، که طراحان آن حد اکثر سوء استفاده را از کلمه شورا و نظام شورائی کرده‌اند. شورا و نظام شورائی، که پیانگر خواست انقلابی مردم جهت تحمیر بنیادی نظام شاهنشاهی بود، اکنون پردهای می‌شود، که در پشت آن حاکمیت، چهره ضد کارگری خود را پنهان می‌کند.

آنها با این کار در حقیقت می‌خواهند وانمود کنند که چیز جدیدی برای کارگران ابداع کرده‌اند گویا "نه شرقی است و نه غربی" است و اصلاً هیچ شباهتی به تشکلهای کارگری ندارد و برای اولین بار در دنیا نظام شورائی را در سراسر



# تصویب قانون "شورای اسلامی کار" در مجلس:

## بل صنفی، هدف عمده "شورای اسلامی کار" است!

آیا حکومت می تواند همچنان آنها را هرید؟

### بخش دوم

کشور برای کارگران و کارمندان پیاده می کند . با کمی مکث روی مواد مختلف این طرح ، نیات واقعی ضد کارگری تدوین کنندگان ، طرح تشکیل ۰۰۰ " همانطور که در شماره ۶۹ " راه نوده " نیز بررسی شد ، شکار می شود .

مطابق تبصره ۱ و ۲ ماده ۱ کارکنان موسسه تولیدی یا خدماتی نمایندگان خود را انتخاب می کنند . طبق تبصره ۳ ماده ۹ کلیه کارکنان موظف به پرداخت حق عضویت هستند . وظایف و اختیارات نمایندگان کارکنان موسسه در مواد ۱۳ ، ۱۹ و ۲۰ آمده است که مهم ترین آنها بدین قرارند:

— بررسی شکایات کارکنان در مورد نارسائیهای واحد تولیدی یا خدماتی و پی گیری .

— تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد .

— بررسی و شناخت کمبود ها و نارسائیهای واحد و ارائه اطلاعات به مدیر .

— اظهار نظر در مورد ساعات شروع و پایان کار و استراحت و ... مورد و محل کارکنان ، تدوین شوابط استفاده از خانه های سازمانی واحد و ...

و واضح است که تمامی موارد فوق در چار چوب وظایف و اختیارات یک انجمن صنفی می گنجد . پس تا اینجا چیز تازه ای وجود ندارد . ولی از گنجاندن این مواد در این " طرح شورا " روشن می شود که هدف قانون گزار ایجاد یک تشکل صنفی ، ولی از نوع دولتی ، بوده است .

ویژگی شورایی این طرح به همین جا ختم نمی شود . قانون گزار که خود را

سپار رند و کارگران و زحمتکشان را بسیار هالو فرض می کند ، در همین حال که می

فخواهد همان " شورای حل اختلاف " زمان شاه را حفظ کند ، آن را در چار - چوب نظام شورایی مطرح می کند با ظاهری دمکراتیک . ظاهر امر این طور است:

نمایندگان کارکنان هر واحد در شورای آن واحد حضور دارند ، نمایندگان شورای واحد ها در شورای منطقه و نمایندگان شوراهای مناطق در شورای عالی

سلامی کار . ولی واقعیت چیز دیگری است . یک نکته اساسی در این طرح ، به

هدف آموزش شده و آن وجود تشکیلات صنفی منطقه ای و سراسری برای کارگران و

بیکر زحمتکشان است .

از در این جا بیرو خورد و گانه حکومت ج ۱۰ . با زحمتکشان و سرمایه داران آشکار

ی شود . کارفرمایان و سرمایه داران نمایندگان خود را از طریق تشکل های صنفی

نمود مانند اتاق بازرگانی ، کانون مدیران و غیره به شورای مناطق و شورای عالی

از می فرستند . ولی کارگران و زحمتکشان از چنین حقی محروم اند . آنها از

ک طرف از ایجاد آزادانه تشکل های صنفی منطقه ای و سراسری خود محروم اند و

ز طرف دیگر حتی حکومت نیز از ایجاد تشکل های دولتی منطقه ای و سراسری

رای کارگران و زحمتکشان ابا می کند . با این کار در حقیقت آقایان خواستارند

انع انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان در این شوراهای حلال

ختلاف شوند .

رای روشن شدن مطلب مثالی می زنیم:

فرض کنیم در یک منطقه ۳۰ واحد کار وجود داشته باشد . طبیعی است چون

ین مناطق تنها محدوده جغرافیایی دارند ، در بر گیرنده رشته های مختلف

ار یاند . یعنی در این ۳۰ واحد هم می تواند واحد شیمیایی باشد ، هم غذایی ،

سم ساختمانی ، هم نساجی و غیره . بنا بر این از بین حدود ۱۰۰ نفر اعضای

سرا های این واحدها ، باید ۳ نفر جهت شرکت در شورای منطقه انتخاب شوند .

سلا معیار هر انتخاب واقعی ، شناخت کافی است . برای شناخت کافی ، تماس

بای مشترک و دائمی و بلند مدت بین کارگران و زحمتکشان و نمایندگان آن ها

و زحمتکشان با قدرت تشکل های خود سخن نگویند ، این حق را به آنها نخواهد داد . بعد از فرار رضاخان تشکل قدرتمند و سراسری کارگران و زحمتکشان یعنی " شورای متحده مرکزی " یود ، که از طرف تمام سازمان های سیاسی مهم و دولت و " فدراسیون سندیکایی جهانی " به عنوان یگانه مرکز سندیکایی کارگبران و زحمتکشان ایران و بزرگ ترین و مهم ترین آنها در خاورمیانه به رسمیت شناخته شد . " شورای متحده مرکزی " توانست با قدرت کارگران و زحمتکشان ایران حق نمایندگی در شورای عالی کار را به دست آورد . تجربه اخیر ۵ ساله " پس از انقلاب نیز ثابت کرده است ، که هر جا کارگران و زحمتکشان توانستند از طریق شورا ها و سندیکاهای گرد هم آیی ها و کنگره ها قدرت خود را نشان دهند ، خواهند توانست حتی توکلی ها را به عقب نشینی وادار کنند . این آن درس بزرگی است که تجربه مبارزات کارگری به ما می آموزد .

س . چه نکات مهم دیگری در رابطه با نقش حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان در این طرح می توان مشاهده کرد ؟

ج . نکته مهم دیگر این است ، که دشمنان طبقه کارگر چهره خود را پشت

تس سازش طبقاتی پنهان کرده اند . در تبصره ۱ ماده ۱ آمده است : کلیه

کارکنان مشاغل هر واحد در سطح مختلف از کارگر تا مدیر مجمع کارکنان را تشکیل

می دهند . این تبصره ، که اهمیت تعیین کنند های در سطح محتوای طبقاتی تشکل

صنفی کارگری دارد ، نشانه تثبیت خط بلغین سازش طبقاتی است . این تبصره

دست پخت کسانی است ، که زمانی ادعای نابود کردن سرمایه داری را داشتند و

اکنون به آن تسلیم شده اند .

سراشیز این طرح آقای بازرگان بود که سرمایه داران را " مستضعفین واقعی " معرفی کرد . بنی صدر نمک خود را بر آن پاشید و خواهان لذت بردن سرمایه -

داران از لبخند کارگران شد . اکنون کسانی که زمانی ادعای مخالفت جدی بنا

دولت موقت و بنی صدر را داشتند ، حاصل این دست پخت را در سینی گذاشته

جلوی کارگران قرار می دهند . حاصل این تبصره در حقیقت ، مخدوش کردن منافع

کارگران و دیگر زحمتکشان با منافع کارفرما است . حکومت می خواهد با این کار ،

محتوای طبقاتی تشکل صنفی را مست کند . سرمایه داران همواره میل دارند با

پهانه قرارداد ن ، مصالح ملی ، وحدت مذهبی ، خطر جنگ و غیره کارگران را از ایجاد

تشکل های مستقل خود بازدارند و خود را با آنها در یک ردیف قرار دهند . ولی

خصلت استثمار گرانه سرمایه داری آن قدر برای کارگران ملموس است ، که هیچ یک

از این ظاهر سازی ها ، آنها را فریب نخواهد داد .

یکی از ویژگی های دیگر این طرح آن است ، که طراحان آن خواستارند

چهره ضد کارگری خود را تحت پوشش اسلام به نمایش گذارند . بندج از ماده ۲

یکی از مهم ترین شرایط عضو شورا را چنین اعلام می کند :

" اعتماد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران " .

باید به آقایان طراحان تبریک گفت چون کلمات را بسیار دقیق انتخاب کرده و

منظور خود را خیلی خوب بیان کرده اند . در اینجا ، در واقع چهره دشمنان

طبقه کارگر و مخالفان عدالت اجتماعی افشا می شود . با این جمله بندی در

حقیقت قانون اساسی در سایه قرار می گیرد و تلویحا نفی می گردد .

مگر نه این است ، که مردم ما انقلاب کردند تا نظام پوسیده شاهنشاهی را طرد

کنند و نظام نوی بسازند ؟ مگر نه این است ، که برای ساختن این نظام نو ، یک

قانون اساسی تدوین شده ، که به تأیید اکثریت مردم رسید و همه مردم خواهان

اجرای اصول مردمی و روح مترقی آن شدند ؟ مگر نه این است ، که این قانون

اساسی توسط " خیرگان مسلمان " تهیه شد و به تأیید " ولایت فقیه " نیز رسید ؟

بله تمام این ها واقعیت است ، ولی یک واقعیت دیگر نیز وجود دارد و آن اینست ،

که با تسلط خط سرمایه داری در حکومت ، دیگر این حکومت نه می خواهد و نه می

تواند اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی را پیاده کند . بنا بر این آقایان

دیگر خود را عقید و ملزم به رعایت اصول مترقی قانون اساسی ج ۱۰ نمی بینند ،

چون خودشان آن را بارها و بارها نقض کرده اند . پس طبیعی است شوراهای

مورد نظر این آقایان نیز نباید مجبور به التزام عملی به قانون اساسی باشند هنگامی

که مجلس شورای اسلامی با تصویب این طرح ، قانون اساسی را چند بار نقض

می کند ، نمی تواند خواهان شوراهای مجری قانون اساسی باشد .

ولی تمام این کارها به نام " اسلام " می شود . این کدام " اسلامی است ، که

باید به آن عمل کرد ولی مجبور به اجرای قانون اساسی نبود . این همان " اسلامی

است ، که از همان ابتدا مخالف اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی بسود .

" اسلامی " که از همان ابتدا مخالف کارگران و مخالف شوراهای بود . اسلام

سرمایه داران ، اسلام شریعتداری ، اسلام انجمن حجتیه . . . .

کارگران آگاه می دانند ، که آنچه همه کارگران را دور هم جمع می کند ، منافع

طبقاتی آنها است . درد و رنج روزمره آنها است که آنها را به هم نزدیک و متحد

می کند . نه عامل نژاد ، نه عامل قومیت ، نه عامل زبان ، نه عامل مذهب ، هیچ یک

بقیه در صفحه ۱۰

# فراخوان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در خارج از کشور

## زندانیان میهن دوست را از خطر اعدام برهانیم!

طبق اعلامیه دادستانی دادگاه‌های انقلاب ارتش ج ۱۰، امروز پانزدهم آذر، محاکمه اعضای حزب توده ایران و دیگر میهن پرستان در دادگاه‌های نظامی آغاز شده است.

پس از گذشت ۱۱ ماه از شروع موج دستگیری فداکارترین فرزندان این آب و خاک، اینک زنان مردانی که زندگی خود را وقف مبارزه در راه بهر روزی زحمتکشان و استقلال میهن نموده‌اند، بدون برخورداری از ابتدائی‌ترین حقوق مسلم زندانیان - از جمله حق ملاقات با خانواده‌ها - یشان و داشتن وکیل مدافع - و بعد از تحمل انواع شکنجه‌های طاقت فرسای جسمی و روحی، به دستور سردمداران ج ۱۰ باید محاکمه شوند و به کیفر برسند.

حاکمیت ارتجاعی ایران، مدتهاست که زمینه قتل عام این میهن دوستان را تدارک می‌بینند و اظهارات لاجوردی، دادستان تهران، مبنی بر اینکه " این ها کافرند و بنابراین این قابل دفاع نیستند! " و نیز گفته‌ها و مندرجات رسانه‌های گروهی، همه و همه، بر این امر دلالت می‌کند.

گزارش خبرنگار " ساندی تایمز " حاکی از آن است، که اعداها، تحت پوشش خودکشی آغاز شده است. دست درخیمان ج ۱۰، تا کنون به خون بسیاری از زندانیان آلوده شده، پس دون اینکه محاکمات انجام گیرد.

ماه‌هاست، که کلیه محافل دمکراتیک در سراسر جهان، صدای اعتراضی خود را علیه این قانون شکنی‌ها و اعمال ضد بشری حاکمیت ج ۱۰ بلند کرده‌اند و از جمله خواستهای عاجل آنان، اعزام هیأت‌های بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بی‌طرف به ایران، جهت ملاقات با زندانیان و بررسی شرایط آنها از نزدیک بوده است، که تا کنون هیچ یک از نمایندگی‌های ج ۱۰ در خارج از کشور، بدان پاسخ مثبتی نداده‌اند.

اکنون، بسا آغاز دادگاه‌ها، خطری جسدی جان آزادی - خواهانی را، که به جرم دفاع از حق و عدالت، این چنین زجر و شکنجه‌های حیوانی را متحمل شده‌اند، تهدید می‌کند.

پانزدهم آذر، آغاز مرحله‌ای نوین در سرکوب

خونین نیروهای وفادار به خلق و مدافعین راستین استقلال و آزادی ایران است.

یکپارچه و متحد، بر علیه تکوین این توطئه شوم بپاخیزیم و جلوی صدور احکام فرمایشی از پیش ساخته را بگیریم!

ما با رجوع به افکار عمومی مترقی بین‌المللی، نهادها و سازمان‌های دمکراتیک، می‌طلبیم، بسا توجه به این امر که آغاز محاکمه، صدور حکم و اعدام برق آسا - طبق رویه دستگاه قضائی ایران - در فاصله زمانی کوتاهی به وقوع پیوندد، بر خواستهای زیر پافشاری نمایند:

- ۱- محاکمات در دادگاه‌های عادی انجام پذیرد.
- ۲- شرکت ناظرین بین‌المللی در دادگاه‌ها تضمین گردد.
- ۳- کلیه زندانیان سیاسی مترقی آزاد گردند.

پانزدهم آذر ۱۳۶۲  
ششم دسامبر ۱۹۸۳

## مسخ محتوای طبقاتی تشکل

بقیه از صفحه ۹

نیاید و نمی‌تواند بین کارگران تفرقه ایجاد کند. تفرقه کارگران تحت هر عنوان و به هر نامی، موجب خوشحالی سرمایه‌دارن می‌شود. همان سرمایه‌داری که حق دارد در مجمع عمومی کارکنان واحد بنشیند و بسیار خوشحال می‌شود، که صدای از نمایندگان واقعی کارگران نتوانند به بهانه عدم رعایت او به موی رساله، به شورا راه یابند.

یکی از نکاتی که در این طرح جلب توجه می‌کند تبصره ماده ۱۵، در مورد مجمع‌های بزرگ صنعتی است. آیا فکر نمی‌کنید که حکومت خواسته است بسا این تبصره دست خود را در سرکوب‌علنی شوراها در این واحدهای بزرگ بسازد؟

کارگران مجمع‌های بزرگ صنعتی به دلیل نوع کار و سازماندهی کار، بیشترین آمادگی را برای تشکل دارند. هم چنین به دلیل اهمیت این صنایع در اقتصاد کشور، تشکل‌های کارگری در این مجمع‌ها، خود به خود اهمیت سیاسی نیز پیدا می‌کند. در ضمن حاکمیت کنونی به چشم خود شاهد بوده که کارگران این مجمع‌های بزرگ، به خصوص کارگران صنایع نفت، ذوب آهن، فولادسازی و... چه نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم مغرور شاه داشتند. از این رو است که با آنها با احتیاط رفتار می‌کنند. هم از تشکل آنها می‌ترسند و هم جرأت آن را ندارند که فلنا جلوی تشکل‌شان را بگیرند. به همین دلیل وسعه سرخرمن می‌دهند. کارگران و زحمتکشان صنایع نفت، تجارب مبارزاتی ۶۰ ساله دارند. آنها در اوج سرکوب رضاخانی دست به اعتصاب زدند و اتحاد به‌های مخفی خود را تشکیل دادند. آنها زیر فشار مستقیم انگلیسی‌ها ده سال برای حق آب یخ و نیازهای اولیه زندگیشان مبارزه کردند. آنها علیرض تمام این فشارها در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ با خون خود حماسه آفریدند و حق خود را گرفتند. مسلما این کارگران مبارز قریب توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را نخواهند خورد و مقام واقعی خود را در جنبش مردم ایران خواهند یافت.

کارگران نفت به خوبی به یاد دارند که در سال‌های ۱۳۲۰، امپریالیسم انگلیس و حکومت دست نشانده اش در ایران، به بهانه جنگ، کارگران را از ایجاد تشکل‌های صنفی باز می‌داشتند. کارگران در آن هنگام می‌دانستند که تشکل‌های صنفی شان نه تنها لطمه‌ای به جنگ نخواهد زد، بلکه به حل صحیح آن کمک می‌رساند. آیا این عجیب نیست، که امروزه نیز حکومت ج ۱۰، کارگران را به بهانه جنگ و بنه

بهبهانه‌هایی نظیر آن از ایجاد تشکل‌های صنفی باز می‌دارد؟ آیا کارگرانی، که سه سال پیش فریب این حرف‌ها را نخوردند، امروزه فریب می‌خورند؟

تجربه کارگران پس از انقلاب در مجمع‌های صنفی نیز، حاکی از دستاوردهای بزرگ تشکل‌های کارگری در این مجمع‌ها است. این شوراها مستقل کارگران صنایع نفت بودند، که توانستند چه در طول انقلاب و چه بعد از آن صنعت نفت را اداره کنند. همین شوراها در اواصل جنگ تحمیلی توانستند زیر باران توپ و خمپاره تولید نفت را ادامه داده و حفظ کنند. شورای صنعت حفاری موفق شد صنعت حفاری را، که تا پیش از انقلاب تحت سلطه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل قرار داشت ملی کرده و با پیش از ۵۰۰ کارگر و کارمند برای اولین بار، صنعت حفاری را در ایران مستقلا اداره کند. شورای صنایع فولاد خوزستان، کارخانجات رضائی وابسته را ملی کرد، کنترل تولید را به دست گرفت، مانع فروش محصولات به واسطه‌ها گردید. همانطور که شوراها همی برای حمل و نقل محصولات به نقاط مختلف کشور ایجاد کرده، در اوج جنگ کارخانه را به راه انداخت و هنگامی که کهر در خطر دیده، کارگران را مسلح کرده نفوذ دشمنان را سد کرد. شورای کشت و صنعت‌های خصوصی خوزستان پس از انقلاب، اداره این موسسه عظیم را به عهده گرفت و تا آنجا که در قدرت داشت در مقابل قطعه قطعه شدن آن مقاومت کرد. همه این تجارب نشان می‌دهد که تشکل‌های کارگران در مجمع‌های بزرگ، قادرند دست به کارهای عظیمی بزنند و در عمل حقانیت خود را به اثبات برسانند. آیا کسانی که راهگشای نفوذ مجدد امپریالیسم در کشور ما هستند از همین می‌ترسند؟

اهمیت دیگر تشکل‌های صنفی کارگران در این مجمع‌ها، اطلاع کارگران و زحمتکشان از زوایا و پشت پرده‌هاست. کارگران می‌خواهند و باید بدانند که ادعاهای حکومت در مورد نحوه و قیمت فروش نفت تا چه حد با واقعیت منطبق است. کارگران می‌خواهند و باید بدانند که ادعاهای حکومت در مورد عدم فروش گاز تا چه حد درست است. کارگران می‌خواهند و باید بدانند که در قرارداد‌هایی که با انحصارات ژاپنی در مورد مجمع پتروشیمی امضا شده، تا چه حد میزان صالح مردم ایران رعایت گردیده است. کارگران می‌خواهند و باید بدانند که چه دست‌هایی می‌خواهند ذوب آهن اصفهان را محدود کنند و مجمع مبارکه را که به صورت نمایشگاه ماشین آلات فریبی درآمده، جایگزین آن سازند. کارگزاران بسیاری از این قبیل چیزها را می‌خواهند و باید بدانند. اگر آنها به این حقوق دست یابند، آیا حکومت با می‌تواند آنها را بفریبد؟ حتما نه. به همین دلیل، آقایان از اجرای همین طرح ضد کارگری شوراها نیز در مجمع همسای بزرگ هراسانند.

## در تظاهرات گسترده "کمیته دفاع از انقلاب ایران" اعلام شد: "دادگاه‌ها بدون حضور نمایندگان و وکلای بین‌المللی هیچ ارزش قانونی ندارد."

به دنبال دریافت خبر مربوط به تشکیل دادگاه تودایها، جنبش دمکراتیک و مرفقی بریتانیا، اعتراض خود را علیه این جنایات تشدید کرده است. "کمیته دفاع از انقلاب ایران"، از روز پنجشنبه ۸ دسامبر (۱۷ آذر) به ابتکارانی در این زمینه دست زد و این هفته را به نام "هفته همستگی با مردم ایران در بریتانیا" اعلام

اتحادیه دانشجویان در بریتانیا، روسای اتحادیه های دانشجویی در شش دانشگاه پلی تکنیک و پیش از ۱۸ استاد از دانشگاه های بیرمنگام، لستر، ساندلند و شمال بریتانیا، انجمن دانشجویان و اتحادیه زنان عراق، جوانان حزب کمونیست یونان، سازمان دانشجویی مرفقی قبرس، سازمان سودانی های مرفقی،



نمود \*

لرد سافر بروکسبی، از پیشتازان جنبش صلح بریتانیا. و از بنیانگذاران جنبش غیر متعهد هسا، سازمان "استقلال" (که بیش از صد نماینده پارلمان و رهبران اتحادیه های کارگری، عضو آن هستند)، نمایندگان پارلمان بریتانیا، مرکب از خانم جون می نارد، جودیت هارت و آقاییان ریشارد کبیرون، کلابوسولی، افتان اورم، توم کلارک، دوگلاس تویل، باب کلی، هری کاون، روبرت کیت، ران برون و کهن شریچ نمایندگان پارلمان اروپا تام مک گاهی، و اف لوماس، همراه با کن کیونگستون رهبر شوراهای محلی لندن، دبیران کل اتحادیه های کارگران فلزکار، کارمندان دولت، شوراهای کارگری اسکاتلند، رهبر معدنچیان فلز، رهبر معدنچیان اسکاتلند و نیز حزب کمونیست بریتانیا و ۱۶ شعبه این حزب سراسر بریتانیا، ده شورای متحده کارگری، نمایندگان و نمایان بیش از ۱۸ اتحادیه کارگری، شعب حزب کارگر، شعب جنبش صلح، رابین مورسون، شخصیت مذهبی، اعضای رهبری جنبش دانشجویی و

سازمان دانشجویان هوادار فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، یک صدا، به موج وحشیگری، شکنجه و پایمال نمودن حقوق دمکراتیک و انسانی زندانیان تودهای و سایر زندانیان سیاسی مرفقی، اعتراض نمودند. در چهار چوب فعالیت های این هفته، روزهای پنجشنبه ۸ و جمعه ۹ دسامبر (۱۷ و ۱۸ آذر ماه)، نمایندگان جنبش های مرفقی بریتانیا، با شعارهای "آزادی زندانیان سیاسی ایران"، "به شکنجه و آزار تودهای در بند پایان دهید"، "تشکیل دادگاه های نظامی برای تودهایها محکوم است"، "دادگاه بدون حضور نمایندگان وکلای بین المللی، هیچ گونه ارزش قانونی ندارد" و "زننده بساد همستگی بین المللی با زندانیان تودهای"، "در مقابل سفارت ج ۱۰۱۰ حضور بهمرسانیده و اعتراض شد بد خود را نسبت به اعمال جنایتکارانه حاکمیت ایران، اعلام نمودند. \*

## احکام از پیش صادر شده ••

بقیه از صفحه ۵

کمونیست یونان • سازمان جوانان کمونیست یونان • گروه ویکتورخارا • نمایندگان حزب کمونیست السالوادور در اسکاندیناوی • سازمان زنان کرد • انجمن دوستی نیکاراگوئه - سوئد • کمیته صلح سوئد • سازمان حزب توده ایران در سوئد • هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) • همچنین کمی تلگرام فوق به سفارت ج ۱۰۱۰ در سوئد ارسال شده است •

### اعتصاب غذای اعتراضی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد

در تاریخ ۶ دسامبر (۱۵ آذر)، عده های از هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد، به منظور اعتراض به برگزاری دادگاه نظامی علیه تودهایها، در میدان مرکزی شهر استکهلم، دست به اعتصاب غذا زدند. این اقدام اعتراضی، مدت چهار روز به طول انجامید. طی این مدت هزاران اعلامیه در انشای ماهیت دادگاهها پخش گردید و صد ها نفر از اهالی شهر، با اعتصاب کنندگان، اعلام همستگی کرده اعتراضیه "کمیته دفاع" را مبنی بر مردود دانستن دادگاه نظامی علیه تودهایها و مطرح کردن خواست برگزاری محاکمات به شکل علنی و با حضور ناظرین بین المللی، محکوم نمودن اعمال غیر انسانی شکنجه و تعقیب دگر اندیشان و خواست آزادی زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست را امضاء نمودند.

در میان امضاء کنندگان، اسامی شخصیت های برجسته و سرشناس سوئدی، از جمله پیر اریکسون مسئول کمیته صلح استکهلم، دکتر جان تاکنم عضو کمیته مرکزی، رنه ترسون، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، میکائیل هولیل، وکیل دادگستری و دهها تن دیگر به چشم می خورد.

جریان تحصن و اعتصاب غذای مذکور در روزنامه های مرفقی این کشور منعکس گردیده است.

● حزب چپ کمونیستهای سوئد، طی نامه ای با امضای لارس ورنر نماینده مجلس و دبیر اول این حزب، که به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال گردیده، از جمله می نویسد:

"حزب ما، به نمایشاتی که برای محاکمه تودهایهای دربند، در بیدادگاه نظامی به روی صحنه می آید، شدیدا اعتراض دارد و خواستار اجرای اصول قانون اساسی، از جمله حق بسر خورداری از وکیل مدافع در محاکمات است. حزب ما به تجاوزات حقوقی که هواداران حزب توده ایران، مجاهدین خلق و سایر نیروهای دگر اندیش را هدف قرار داده است، اعتراض می کند و خواهان آزادی کلیه بازداشت شدگان و پایان دادن به دادگاههای نمایشی است." \*

# در هفته ای که گذشت:

## افزایش بهای نفت - اسلحه - جنگ

در روزهای گذشته ۶۹ - مین کنفرانس وزیران نفت کشورهای اوپک به پایان رسید و قیمت نفت برای هر بشکه ۲۹ دلار تثبیت شد . سردمداران ج ۱۰۱۰ که به همه چیز، به جز منافع مردم زحمتکش ما می اندیشند، در ایسسن کنفرانس نیز کوشیدند تا سیاست های جنگ - طلبانه و شوونیستی خود را با تظاهر به بالا بردن قیمت نفت پنهان سازند . در واقع آنان در بوق و کرنا دیدند که قیمت نفت را بالا ببرند، تا شاید بتوانند، از این راه، گناه ویل هزینه های جنگی را بپوشانند .

اینک مردم ما شاهد ند که پس از گذشت ۵ سال از انقلابشان به رغم وعده های پر زرق و برق سردمداران ج ۱۰ مبنی بر عدم وابستگی، نفت همچنان یگانه منبع درآمد ارزی دولت است . درآمد حاصل از نفت ۲۰۵۱ میلیارد ریال در بودجه سال ۶۳ پیش بینی شده است که به تنهایی نزدیک به ۹۰٪ از بودجه دولت را تشکیل می دهد .

با نگاهی کوتاه به سهم بودجه نظامی از بودجه کل کشور که یک سوم آن را تشکیل می دهد - و این تنها نمودار ظاهری آن است - به راحتی می توان دریافت که فروش نفت و پسا - فشاری ج ۱۰ بر افزایش بهای آن بر چمپایی استوار است .

سردمداران ج ۱۰، در حالی از فروش نفت به بهای ۳۴ دلار در هر بشکه سخن می رانند که خود مدتهاست قیمت رسمی ۲۹ دلاری اوپک را نقض کرده اند و این طلای سیاه را به قیمت ۲۵ دلار در بازار جهانی می فروشند و از محل درآمد آن با کشورهای امپریالیستی معاملات کلان اسلحه انجام می دهند تا در پرتو برکات جنگ "انقلابشان" را صادر کنند .

به طوریکه روز نامه دی تسایت، چاپ آلمان فدرال چندی پیش خبر داد، هواپیمای آمریکایی وایل تایجست، از فرودگاه کندی نیویورک به پرواز درآمد و مستقیماً در فرودگاه تهران به زمین نشست تا اسلحه های خریداری شده را تحویل مقامات ایرانی دهد .

در چنین شرایطی سردمداران ج ۱۰ اعلام می کنند، که اگر کشورهای اسلامی ۱۰ روز جلوی نفت خود را بگیرند، دنیا تسلیم آنها خواهد شد ! سردمداران ج ۱۰ با این تهدیدهای تو خالی برای این پرسش منطقی پاسخ ندارند که اگر نفت و بودجه حاصل از آن قطع شود، آنان هزینه های این جنگ توسعه طلبانه را چگونه تأمین می کنند !؟

واقعیت آنست که سردمداران ج ۱۰، نه به خاطر تأمین خواست ها و نیازهای مردم زحمتکش و محروم ما، که زیر بار شرایط دشوار بحران

اقتصادی، گرانی، بی کاری، احتکار و بی سرپناهی در رنج اند، بلکه به خاطر اعمال و ادا مه سیاست های ضد مردمی و جنگ طلبانه خود است که برام افزایش قیمت نفت پافشاری می کند !

## فامزدهای مردود،

### برمسندوزارت تکیه می زنند!

نخست وزیر ج ۱۰۱۰، اخیراً عباسعلی زالی را به عنوان وزیر کشاورزی به مجلس شورا معرفی نمود . این معرفی با ۱۰۷ رأی موافق مسورد تأیید نمایندگان قرار گرفت . نامزد قبلی نخست وزیر برای این مقام، از طرف نمایندگان مجلس رد شده بود .

چهارمین وزیر کشاورزی پس از انقلاب، زمانی این مسئولیت خطیر را به عهده می گیرند که کشاورزی ایران یکی از بحرانی ترین ادوار را طی می کند؛ قانون اصلاحات ارضی همچنان در توقیف مدافعان بزرگ مالکان است و روند مسخ انقلاب، و بازگشت فئودال ها و سرمایه داران فراری

با همکاری مقامات قضایی و انتظامی و پاسداران پسا تهدید ارباب و زندان روستائیان به رغم مقاومت همة جانبه دهقانان، پیش برده می شود. و بحران در عرصه کشاورزی به کاهش بی سابقه تولید محصولات کشاورزی انجامیده است .

وزیر جدیدی که باید با تمام این دشواری های ریشه ای مقابله کند، "چهره" ناآشنائی نیست! عباسعلی زالی یک بار دیگر، در زمان کابینه رجایی به همراه حسن آخوندی همان احراز این مقام شده بود - حسن آخوندی همان کسی است که کارنامه درخشان وی در ردی ها و سوء استفاده از امکانات دولتی در جریان استیضاح ناطق نوری، وزیر کشور، افشا گردید - نامزدی زالی، در آن زمان به علت فقدان سوابق فبازرائی او و اتخاذ مواضع محافظه کارانه رد شد . او در طول این چهار سال، به عنوان قائم مقام وزیر کشاورزی، در عین حال پست های معاونت پارلمانی و برنامه ریزی را نیز به عهده داشت و نقش عمد های در تعدیل اقدامات و نظرات مترقی پیرامون مسائل دهقانی و کشاورزی به سود بزرگ زمین داران و سرمایه داران ایفا می کرد .

وزیر جدید کشاورزی ج ۱۰۱۰، بارها به بهانه "جلوگیری از خرد شدن زمین های زراعی و کاهش سطح تولید، با اصلاحات ارضی بنیادی مخالفت کرده است و یکی از طرفداران ثابت قدم سرمایه گذاری بخش خصوصی در امر کشاورزی و دامپروری و ایجاد شرایط لازم برای امنیت این سرمایه - گذاری هاست . برای او که تحصیلات خود را در آمریکا به پایان رسانده و یکی از اعضای مؤثر حزب ج ۱۰ است آنچه که نگران کننده است، نه زندگی سراسر رنج و محرومیت میلیونها دهقان زحمتکش ایران، بلکه احساس عدم امنیت زمین - داران بزرگ است .

بدون شك انتصاب وزیر جدید یکی دیگر از مراحل تدارکاتی "ذبح شرعی" نهایی قانون اصلاحات ارضی و گامی نوین در روند مسخ انقلاب است .

## روز عزا؟!!

آغاز محاکمات فرمایشی و غیر قانونی افسران میهن دوست و تودهای های درینده در بند ادگانه های نظامی، "روزهای خوش و خاطره انگیزی" برای امپریالیستها و اعوان و انصارشان بهارمغان آورده است .

این جانوران انسان نما، که عطش خود را با خون زحمتکشان جهان فرو می نشاندند و یک لحظه از زندگی انگل وار خویش را بدون ارتکاب جنایت های موحش نگذراند مانده، اینک در انتظار هدیه خونینی، که سردمداران ج ۱۰، به مناسبت آغاز سال نوی مسیحی برایشان تدارک دیده، لحظه شماری می کنند .

اکنون دیگر "شادی زاید الوصف" سران ۷ کشور صنعتی که در ویلیامزبورگ گرد آمده بود ندازد . یورش به حزب توده، ایران زیانزد خاص و عوام است . همه خبرگزاری ها، پس از حمله سبحانه به حزب توده، ایران، خبر "کف سانی سرورانه" ریگان را به سراسر جهان مخابره کردند و جمله "تجدید آمیز و سیاست گزارانه او، به شاه بیت تلکس های رسانه های گروهی دنیا بدل شد:

" رژیم خمینی (با سرکوب حزب توده) ایران کاری کرد که شاه هم نتوانسته بود . . . . !"

برداشت ها و داوری های تأیید آمیز، تشویق کننده و تحریک آمیز سران کشورهای امپریالیستی در این زمینه، بی شك نشانه هم سوئی سیاست روز سردمداران ج ۱۰، با سیاست ضد بشری امپریالیست هاست . خبرگزاری یو - پی - آی - (یونایتد پرس) از فعال ترین بلندگوهای انحصارات غارتگر امپریالیسم آمریکا، اخیراً ضمن تجلیل از تشکیل این "محاکم"، مقامات ج ۱۰ را فرا می خواند، که چون "این حزب طی دوران موجود پتش با دولت های گوناگون ایران (از جمله دولت های قوام و رزم آرا و اقبسال و هویدا و آموزگار و ازهاری . . . .) مبارزه می کرده، باید به شدید ترین وجه مجازات شود ."

تعریف و تجید و تشویق امپریالیست ها، که از کینه های دیر پا نسبت به حزب توده، ایران، حزبی که به شهادت دوست و دشمن همواره علیه ظلم و بردگی و اختناق رژیمه، گواه روشنگری است، که امروزه به سنگ محک ارزیابی گفتارها و وادعاهای سران ج ۱۰ بدل شده است، حتی بلندگوهای امپریالیستی و اربابان آنان و نیز حاکمیت ضد مردمی و ضد بشری ج ۱۰ هم می دانند، که هیچ عقل سلیمی، اتهام "خیانت" و "جاسوسی" تودهای ها، را باور ندارد . از همین روست که خبرگزاری یونایتد پرس، "جرم" تودهای ها را مبارزه با "دولت های گوناگون ایران" ثبت می کند .

بجاست در کنار این تعریف و تمجیدها، این نکته را هم اضافه کنیم که آیت الله خمینی در "سخننان" ۱۹ آذر خود گفته است:

"ان روز که آمریکا از ما تحریف کند، آن روز بقیه در صفحه ۱۳"

# دست خائنین به انقلاب از جان پیگیرترین مدافعان آن کوتاه باد!

بقیه از صفحه ۱

وجدان میهن دوستانه خود، در صنف انقلاب ایستاده و جان بازانه در راه دفاع از آرمان های انقلاب کوشید هاند، به محاکمه به اصطلاح انقلابی کشیده شده اند .

محاکمه شوندگان ، ماهها زیر شدیدترین شکنجه های تاریخ بشری قرار داشته اند و محاکمه کنندگان ، که اکنون کسوت " قاضی " به تن کرده اند، در زخمیانی هستند که در سلاح خانه های اوین ، کمیته مشترک و باغستان کرج ، دور از چشم مردم آنچه که توانستند و ماوریت داشتند بر سر قربانیان خود آورد هاند .

با همین شکنجه ها که بدون تردید کارد شناسان " سیا " ، اینتلیجنت سرویس " و " سیا " نقش مشاور و هدایت کننده را در اجرای آن داشته اند ، محاکمه شوندگان امروزه و به اصطلاح اقرار کنندگان دیروز در سیمای ج ۱۰ - مسخ شده و شخصیت اصلی خویش را از دست داده اند . از همین روست که " قضات "

ج ۱۰ ، نمایش جدیدی را - که با خون و زجر در شکنجه گاهها ترتیب داده شده - تحت عنوان " محاکمه علنی " آغاز کرده اند .

بی تردید پریائی این گونه نمایشات ، آخرین پرده های نمایشنامه غم انگیزی است ، که امپریا - لیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار برای مسخ کامل انقلاب شکوهمند مردم ایران تنظیم کرده است . نمایشنامه ای که پیش پسرده آن را " برزیسکی " مشاور ویژه کاخ سفید در سال ۵۹ تهیه کرده بود . بر اساس همین پیش پرده می - بایست روابط ایران و اتحاد شوروی تا قطع پشتیبانی جهانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران تیره شود ، مدافعین انقلاب در داخل کشور سر - کوب شوند و عرصه برای به قدرت رسیدن کامل سازشکاران با امپریالیسم و طرفداران نظام سرمایه داری خالی گردد .

آیا آنچه که در این دو سال بر انقلاب مردم ایران گذشته از اجرای تمام و کمال این رهنمود:

حکایت نمی کند ؟

مجریان نقشه های اساسی این نمایشنامه که در شکنجه و قتل هزاران توده های در بند و محاکمه تعدادی از افسران میهن دوست دست دارند ، خود مجرمانی هستند ، که باید در دادگاه خلق به اتهام خیانت به مردم و آرمان های انقلاب ، بر صندلی محکومان بنشینند .

حزب توده ایران در این لحظات تاریخی - همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۶/۹/۶۲ نیز تصریح کرده - محاکمه تعدادی از افسران وطن پرست ایران و شکنجه و قتل و اعدام پنهانی توده های ایران در زندانها ، یورش بر پرورشگاه که حزب ما را نشانه گرفته ارزیابی نمی کند ، بلکه آن را حمله ای گرگ وار به انقلاب مردم ایران نیز به حساب می آورد .

این واقعیتی است که قلم " قضات " این پیدادگاه های نظامی ، به خون پاک مدافعان انقلاب و شیفتگان استقلال ایران آفشته است و از این رو ، همان گونه که در اعلامیه فوق الذکر کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است ، ما نیز بر - پائی چنین " دادگاه های " را محکوم می کنیم و آنها را با تمام موازین بین المللی و حتی اصول قانون اساسی ج ۱۰ - مغایر می دانیم .

این خواست میرم و تأخیر ناپذیر همه احزاب ، جمعیت ها و محافل مترقی و دموکراتیک جهان است که باید درهای شکنجه گاه های ج ۱۰ ، به روی هیأت های جهانی ، متشکل از حقوق دانان و پزشکان بی طرف بین المللی ، باز شود ، تا حقیقت بر همگان آشکار گردد . تنها در این صورت است که آنچه شکنجه شدگان و محاکمه شوندگان - هم در سیمای ج ۱۰ - و هم در " محاکمات " - به اصطلاح علنی بیان داشته - اعتبار در خود خود را به دست خواهد آورد . اکنون دیگر همه جهانیان بر این داوری خدشه ناپذیر مهرتأیید کویید هاند که این گونه اظهارات دیکته شده در شکنجه گاه ها ، ذره های اضافت ، قانونیت و اعتباری ندارد .

همان گونه که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز آمده است ، اعتراض فعال آزاد - اندیشان جهان ، مراجع بین المللی ، احزاب و سازمان های مدافع حق و عدالت ، - بهر شکل ممکن - می تواند از اعدام افسران میهن - دوستی ، که محاکمه می شوند و قتل و اعدام توده های در بند ، که تنها جرمشان دفاع از انقلاب و آرمان های آنست ، جلوگیری کند .

حزب توده ایران هم چنین از اعضا و هواداران خود در داخل و خارج کشور می طلبد ، که به هر وسیله ممکن این توطئه ننگین را افشا و گردانندگان این صحنه سازی را رسوا کنند .

## در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

عزای ماست " !  
باید گفت که دیربست که این روزها آغاز شده است !

## "دوست" مشترکی به نام آمریکا!

" کشور دوست و برادر " حاکمیت ج ۱۰ ، ترکیه در جهت خدمت به ارباب بزرگش ، آمریکا و اجرای سیاست های او در منطقه ، گام دیگری برداشت و " در حمایت از نیروهای چند ملیتی در لبنان ، به چند کشتی جنگی آمریکا اجازه استفاده از تسهیلات بندری ترکیه را " داد .  
وزیر خارجه ترکیه ، ایلتر ترکمن ، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت :

" اشکالی ندارد که ما به عنوان یک کشور در منطقه ، در صورت مقتضی تسهیلات محدود برای نیروهای چند ملیتی فراهم کنیم " ( اطلاعات ، ۸ آذر ) .

و البته اشکالی هم ندارد که - تسهیلات محدود " در جهت به خاک و خون کشیدن صدها مرد و زن و کودک بی دفاع لبنانی ، سرکوب کردن نهضت مقاومت فلسطین و نابودی صدها رزمنده فلسطینی به کار گرفته شود !

وزیر خارجه ترکیه که " حفظ منافع " کشورش برای ریاست جمهوری دولت او حائز اهمیت است " ، همچنین در این مصاحبه گفت :

" در این لحظه ، تنها آمریکا می تواند نقش موثری در خاورمیانه ایفا کند که اکنون در حال انجام آن است " !  
وزیر خارجه ترکیه در مورد کمک های آمریکا به ترکیه گفت :

" ما انتظار داریم میزان کمک های آمریکا در سال آینده به ۷۵۵ میلیون دلار برسد . در سال جاری آمریکا ۴۶۵ میلیون دلار به ترکیه کمک کرده است " ( همانجا ) .

آقای رئیس جمهور در رابطه با خطرات احتمالی برای لوله نفت از عراق به ترکیه با صراحت یک دلال سازش با امپریالیسم اعلام کرده است که این لوله ها به خطر نخواهند افتاد ، زیرا حاکمیت ج ۱۰ منافع کشور " دوست و برادر " ترکیه را مورد تهدید قرار نمی دهد . وی تأکید می کند که این منافع " البته مورد تهدید قرار نخواهد گرفت " ( راه توده شماره ۶۹ ) .

اتخاذ این سیاست غیر مستقیم اجازه می دهد که " دوست کشور برادر " ، یعنی امپریالیسم متجاوز آمریکا ، که به کشتار خلق های بی شماری از جمله خلق لبنان و عرب فلسطین مشغول است ، به عنوان دوست ج ۱۰ و " منافع کشور برادر " ، منافع ج ۱۰ ، قلمداد شود . اگر اوضاع بر وفق مراد آقایان باشد ، بزودی عبارت " دوست مشترک کشورهای برادر " که همان امپریالیسم آمریکاست ، جایگزین این همه عبارت پردازیهای عوامفریانه خواهد شد .

\*

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !



# آغاز "محاكمات" توده‌ای‌ها، نزدیکی بیشتر به امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۴

با آن روابط محکم خود را توسعه می‌دهد، وارد بازار ایران می‌شوند. شرکت ملی نفت با یک شرکت ترک به نام آی. ت. ام. برای نوسازی پالایشگاه آبادان تماس گرفته است. شرکت نام-برده با شرکت‌های عمده ترکیه "اونیت" و "گاس" مربوط است. این شرکت‌ها، نمایندگی شرکت آمریکایی از جمله شرکت م. و. کلوگ را، کسه پالایشگاه‌ها را طرح‌ریزی می‌کنند و می‌سازند. عهده دارد "میدل ایست - اکتبر ۱۹۸۲". در اجرای سیاست اولویت توسعه مبادلات با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان، خرید های ایران از پاکستان نسبت به میزان پسران انقلاب اسلامی بیش از ده برابر افزایش یافته است "مدیر کل وزارت بازرگانی - صبح آزادگان - ۵ آبان ۶۲".

هم زمان با گسترش تناسبات اقتصادی شما برابر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نزدیکی و هم سویی سیاسی ج. ا. با امپریالیسم جهانی نیز افزایش می‌یابد. در این زمینه ادامه توسعه طلبانه جنگ خانمانسوز و وابستگی آفرین ایران و عراق نقش ویژه ای ایفا می‌کند. از همان زمانی، که به دنبال شکست نظمی همه جانبه عراق، شرونیست‌های حاکم بر ایران خواب‌تصرف کربلا و بغداد و تأمین "حکومت اسلامی دلخواه" در عراق را می‌دیدند، محافل دولتی آمریکا، آزمندی خود را نسبت به پیبوسد روابط ج. ا. با استفاده از شرایط ناشی از جنگ فرسایشی ایران و عراق پنهان نمی‌کردند: "نگرانی محسوس‌تر عراق این است که ارزش استراتژیک (ایران) برای ایالات متحده در منطقه خیلی پیش از نیاز عمده مناسبات آشکار و دوستانه با عراق باشد. تحلیل گران دولت معتقدند که گرچه زخم‌های به جا مانده از پشتیبانی ایالات متحده از شاه و مسأله گروگان‌ها هنوز التیام نیافته است، واشنگتن برای جلوگیری از وابستگی بازهم بیشتر ایران به شرونیست‌ها باید کانال‌های نفوذ خود را باز بگذارد. یکی از مقامات رسمی وزارت خارجه می‌گوید:

"گرچه ممکن است مناسبات با ایران؛ فرسنگ‌ها از جاده عادی دور باشد، ولی ما نمی‌خواهیم با پشتیبانی از یک طرف مخاصمه از آشتی جلوگیری کنیم" (تایم - ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۲).

به دنبال شکست سیاست جنگی توسعه‌محور طلبانه حاکمیت و درماندگی رهبری ج. ا.، مراجع حاکم موقعیت را برای بند و بست با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مناسب می‌پندارد. روند تیره و جلب حسن نظر امپریالیسم جهانی، که با یورش به حزب توده ایران و شرونیست‌های افسارگسیخته آغاز شده، به زودی به صورت کار پایه سیاسی حاکمیت ج. ا. درآمد. بر

خارجه آمریکا، به ایران ارسال می‌شود. حداقل ۲۰ شرکت آمریکایی و افسوزون بر آن بسیاری از دلالات بین‌المللی اسلحه که در آمریکا فعالند این سلاح‌ها را (به ایران) عرضه می‌کنند (تایم، ۳ مرداد ۶۲).

این مجله گزارش می‌دهد، که مقامات دولتی آمریکا اظهار می‌دارند که گویا توانایی آن‌را ندارند که مانع از "قاچاق" اسلحه به ایران بشوند (!؟)

اما اگر احیاء وابستگی به "شیطان بزرگ" به طور عمده به صورت غیر مستقیم و مخفیانه صورت بگیرد، رهبران ج. ا. گسترش مناسبات ناپرور با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی را پنهان نمی‌کنند. وزیر خارجه گفته است:

"جمهوری فدرال آلمان با بیش از ۵ میلیارد مارک دریافتی در سال، اولین طرف تجارتنی ماست. ما همین رابطه را با ژاپن یا ایتالیا ۰۰۰ داریم" (مصاحبه ولایتی با لومنتن - بخرداد ۶۲).

از زمان این مصاحبه تا کنون، صادرات آلمان فدرال به ایران به رقم بی‌سابقه ۷ میلیارد مارک، که حتی در زمان رژیم سرنگون شده شاه نیز بالغ نشده بود، رسیده است. وزیر خارجه، امپریالیسم روسیه انگلستان را از قلم انداخته است:

"حجم صادرات بریتانیا به ایران در سه ماه اول سال مسیحی جاری نسبت به سه ماه اول سال گذشته سه برابر بوده است. ۰۰۰ ما در - کنندگان بریتانیایی برای کالاهای خود بازار گرم تری را در ایران پیش بینی می‌کنند. چه گفته بازرگانانی که اخیراً به ایران سفر کرده‌اند، مقامات ایرانی آماده و بسیار مشتاق آنند که تجارت با بریتانیا را ادامه دهند" (راد یو بی بی سی - ۱۴ تیر ۶۲).

"شرکت تالیوت ۰۰۰ طی ۸ سال پی‌دی ضررهای سنگینی داشته است. تنها عامل اصلی که در تخییرات اخیر (سودآوری شرکت) نقش داشته است، صدور مجدد قطعات اتوموبیل پیکان به ایران بوده است. در معامله پیکان سالانه ۱۵۰ میلیون لیره استرلینگ به حساب شرکت تالیوت واریز می‌شود، که معادل نصف تمام تجارت سالانه شرکت است" (گاردین، ۲۴ فوروردین ۶۲).

یکی از راه‌های عوام‌فریبانه احیاء وابستگی به امپریالیسم جهانی، افزایش واردات کالاهای کشورهای "اسلامی" وابسته به امپریالیسم است. کشورهای "برادر" ترکیه و پاکستان، که سرپل بازگشت انحصارات امپریالیستی به میهن ما بودند، هم‌چنان نقش خویش را در این زمینه ایفا می‌کنند.

"۰۰۰ شرکت‌های آمریکایی هم یاردیگسر به طور غیر مستقیم اساساً به وسیله ترکیه، که ایران

می‌شد، به عنوان امید بخش‌ترین بازار خاورمیانه یاد می‌کنند" (۲۷ / اسفند ۶۱).

از آن زمان تا امروز، این بازار "امید بخش" هر روز بیش از دیروز جلوه نگاه امپریالیسم جهانی شده است. روزنامه "وال استریت ژورنال" ارگان انحصارات امپریالیستی ایالات متحده آمریکا می‌نویسد:

"طبق آمارهای رسمی که از طرف آمریکا انتشار یافته طی ۵ ماه اول سال جاری آمریکا جمعاً ۷۲۵ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است. این رقم نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، ۴۵۰ میلیون دلار افزایش داشته است" (۸ ژوئیه ۸۳ - ۷ تیر ۶۲).

همین روزنامه، اخیراً طی مقاله‌ای به قلم پرفسور هری موتز، از برقراری تماس میان آمریکا و رژیم ایران ابراز رضایت کرده است (راد یو سکو، ۲۱ آذر ۶۲).

روزنامه فرانسوی والو آکتوئل گزارش می‌دهد: "ایران به طور محرمانه مذاکرات دیگری با آمریکایی‌ها کرده است. دولت تهران به تازگی به شرکت‌های ایرانی اجازه داد که با صنایع آمریکا رابطه برقرار کنند و شرط آن هم اینست، که تحویل کالا باید به طور غیر مستقیم و توسط کشورهای دیگر صورت گیرد" (۲۷ تیر ۶۲).

در محافل امپریالیستی سخن از آن می‌رود، که حکام ج. ا. بخش‌نامعلومی از نفت ایران را با تخفیف‌های کلان به انحصارات نفتی امپریالیستی می‌فروشند. یکی از کارشناسان استناد دارد اوایل کالیفرنیا می‌گوید:

"مشتریان خرید نفت ایران به خاطر اختلافات سیاسی داخلی در آن کشور از معامله واژه دارند، به همین خاطر تخفیف‌هایی که در پهای نفت ایران داده شده، برای افزایش تولید آن کشور لازم است" (دبلیو-د - هرمان تایم - ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

احیاء و ترمیم وابستگی اقتصادی به "شیطان بزرگ" کاملاً مخفیانه و بدون چشم زحمت‌کنان انقلابی ایران صورت می‌گیرد. در ایران کمتر کسی می‌داند که دولت ج. ا. به گزارش واشنگتن پست، تا کنون ۸۹۵/۹ میلیون دلار فرامست به شرکت‌های آمریکایی پرداخته است. به عبارت دیگر تا کنون نزدیک به دو سوم مبلغی که به دنبال آزادی جاسوسان آمریکایی در بانک‌های امپریالیستی و دیعه گذارده شده بود، صرف تأمین رضایت انحصارات آمریکایی شده است.

رهبران ج. ا. خریدار اسلحه از انحصارات آمریکایی را "قاطعانه" تکذیب می‌کنند. مجله تایم می‌نویسد:

"بنا به اطلاعات جمع‌آوری شده توسط تایم، در سال‌ها میلیون‌ها دلار سلاح آمریکایی طی رقم تحریم‌فروش همه‌نوع سلاح به ایران توسط وزارت

## یادی از ۲۱ آذر:

# حل مسئله ملی در گرو پیروزی انقلاب است

۳۸ سال از جنبش دموکراتیک آذربایجان گذشت ۳۸ سال پیش، نیز هم چگون امروز امپریالیسم و ارتجاع بین المللی، تمامی ارکان زرادخانه تبلیغاتی خود را در جهت لجن پراکنی ناسزاگویی، تهمت و افترا به مبارزان نهضتی به کار گرفته بودند که در حقیقت نقشی بی همتا در تاریخ مبارزات طولانی و پرافتخار مردم زحمتکش این سرزمین، علیه ستم ملی و ظلم اجتماعی، در راه آزادی و استقلال، ترقی و رفاه همگانی ایفا می کردند آن روز هم مدافعان خواست های همه حق خلق آذربایجان و کشور دوست و همسایه ما اتحاد شوروی، مورد کین توزانه ترین حملات قرار گرفته بودند. در آن زمان حاکمیت وابسته به امپریالیسم، حاکمیت منکی به زور سر نیزه ایرانی غارت شده و عقب مانده با مردمی سرکوب شده و محروم، ایرانی نیمه مستعمره و زائده امپریالیسم که دستگاه حاکمه آن در تک و پوی ارباب یابی دست به سوی فاشیسم دراز کرده بود، نقش ترمز کننده و رشد مستقل کشور را به عهده داشت.

از اواسط سال ۱۳۲۴ ارتجاع علیه نهضت کارگری و دموکراتیک دست به هجوم زد و حملات غدارانه خود را متوجه حزب توده ایران و شوروی متحده، مرکزی نمود و باشگاه های حزب و شورا در تهران، مازندران و اصفهان مورد تعرض و تاراج قرار گرفت. عده کثیری از فعالین حزب توقیف شدند و تصفیه ارتجاعی ارتش آغاز گردید و عده های از افسران مترقی بازداشت شدند و مطبوعات مترقی توقیف گردیدند. روزنامه آذربایجان نوشت:

"بر سر آنند که در ایران یک دولت نیرومند ارتجاعی بوجود آورند و زمام آن را به دست سیاستمداران لندن بسپارند، می کوشند رضا خان جدید و هیطری برای ایران به وجود آورند، مردم آذربایجان نمی تواند به این ماجرا همسایا بخوتسردی بنگرد".

در چنین شرایطی بود که فرقه دموکرات

آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ به رهبری و شرکت فعال عده ای از پیشکسوتان و فعالان نهضت کارگری و کمونیستی و نیروهای ضد استبدادی و ضد استعماری تأسیس گردید. در پیام مشهور ۱۲ شهریور اعلام گردید که خلسق آذربایجان مصمم است "در داخل ایران و به شرط حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران اداره امور داخلی خود را به دست خود گیرد".

در ۱۶ شهریور سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان هدف های پیام ۱۲ شهریور را مورد تأیید قرار داد و از لحاظ رهبری و سازمانی به فرقه دموکرات پیوست.

پس از پیروزی قیام ۲۱ آذر حکومت ملی تشکیل یافت. به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان به اصلاحات اساسی دست زد و کامیابیهای بزرگی به دست آورد، تقسیم اراضی خالصه و املاک فئودالها و ملاکان بزرگ میان دهقانان، به کار افتادن کارخانه ها، مبارزه شدیدی علیه بیکاری، اقدام به آبادی شهرها، تشکیل سازمان های فدائی برای حفظ امنیت آذربایجان، تشکیل ارتش ملی، تأسیس دانشگاه، پیشرفت فرهنگ، اعلام زنتان آذربایجانی به عنوان زبان رسمی، تد ریس به زبان آذربایجانی در مدارس، توسعه شبکه بهداشت و تنظیم امور بازرگانی، جلوگیری از هرج و مرج از اقدامات اصلاحی بود که در زمینه های گوناگون از طرف حکومت خلق به عمل آمد.

دولت مرکزی در نتیجه پیروزی جنبش ۲۱ آذر دست به عقب نشینی زد و در تصویب نامه ۱۳۲۵ آن را تأیید کرد. اما دیری نپایید که امپریالیستهای آمریکا و انگلیس به تکیه افتادند و تهدیدات خود را غدارانه زیر پا گذاشتند و به وسیله نیروهای مسلحی که به نام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل داشتند، جنبش خلق را با آتش و آهن سوزاندند و آذربایجان را به ویرانه ای بدل ساختند.

شعارها، برنامه و عمل فرقه دموکرات

آذربایجان و نتایجی که به رهبری این فرقه علی رغم دشواری های فراوان به سود مردم میهن دست و زحمتکش کشور به دست آمده، نشان داد که فرقه دموکرات آذربایجان در سایه اعمال حق خود مختاری، منافع اکثریت زحمتکش و همه مردم استقلال طلب میهن ما را تأمین کرد و برای رهایی آنان از زنجیر ستم گری ارتجاع و امپریالیسم پی گیرانه رزمید.

حزب توده ایران، با توجه به اینکه ایسرا کشور کثیرالطلبی است، که در آن ستم ملی وجود دارد، خواست تأمین حق کامل خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش و شناسایی حق اقلیت های ملی ایران را در برخورد شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود، خواستی بر حق و شرافتمندانه می شمارد و راه حل آن را تنها در چار چوب تحقق شعارها و نیز سرانجام سر نوشت انقلاب می داند؛ این خواست و اصل اساسی سیاستی است که حزب توده ایران، همواره و به ویژه پس از انقلاب مردم ایران بارها مطرح و پیوسته از آن دفاع کرده است؛ که سر کویگران و زور پیشگان حاکم بر میهن ما، جز طفره رفتن در برابر آن و به خون کشیدن خلق های سرزمین ما سیاست دیگری در پیش نگرفتند.

حزب توده ایران، دفاع از منافع اجتماعی و آزادی ملی خلق های ایران را کار و وظیفه سرشتی خود می داند و با اصولیت در ایسرا راه پیش می رود و از این روست که برای نجات انقلاب و از درغلطیدن به ورطه شکست نهایی و جامه عمل پوشاندن به اهداف آن - از جمله حل مسئله ملی - تمامی انقلابیون راستین و ضد امپریالیست و میهن دوست را به تشکیل جبهه متحد خلق قرا می خواند.

ما ضمن گرامی داشت ۲۱ آذر یقین داریم که شعارهای این روز که با خون هزاران زن و مرد میهن دوست ایران رنگین شد، ماست، فردا به شعار عمل میلیونها ایرانی بدل خواهد شد. \*

## آغاز "محاکمات" توده ای ها، نزدیکی

### بیشتر به امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۶

اساس این کار پایه حاکمیت ج ۱۰ به این نتیجه رسیده است، که برای شکست صدام، لازمست که حمایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از رژیم صدام قطع شود. آنها با حساب کاسب کارانه به این نتیجه می رسند، که از آنجا که اهمیت استراتژیک و اقتصادی ایران برای امپریالیسم جهانی بیش از اهمیت رژیم عراق است، پس اگر ج ۱۰ تسلیم مطامع امپریالیسم جهانی بشود، امپریالیسم نیز با قطع کمک از رژیم صدام به یاری ج ۱۰ خواهد شتافت.

رئیس جمهور و نیروهای تحت فرمان او در

حزب ج ۱۰ و دولت عاملین فعال تحقق این کار پایسیاسی هستند. بر این اساس و به اتکای پیشرفت مذاکرات پشت پرده با امپریالیسم آمریکا، که آقای خامنه ای در شرایط محاصره نظامی دریایی ایران از سوی آمریکا، دولت متجاوز و خونخوار ایالات متحده را "پخته" و بی آزار خطاب می کند، و در حالیکه روی سخنش آشکارا با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، می گوید:

"قدرت های بزرگی که در شورای امنیت

عضویت دارند، باید بتوانند باردیگر حسن ظن ما را جلب کنند".

بر همین اساس رئیس جمهور همواره دست نشاندهگان آمریکا در منطقه را دوست و هم پیمان سیاسی ج ۱۰ خوانده است:

"دو کشور ایران و پاکستان، منهای سایر کشورهای تاریخی و اعتقادی در مسائل سیاسی نیز که حاکی از برخی واقعیت هاست مشترک هستند. روابط دو کشور ایران و پاکستان از سوی بسیاری از عوامل جهانی مورد تهدید همیشگی است" (اطلاعات، ۱۲ شهریور ۶۲).

و نخست وزیر آشکارا خواهان شرکت ایران در پیمان نظامی - اقتصادی شورای همکاری دست نشاندهگان امپریالیسم در خلیج فارس است:

بقیه در صفحه ۱۶

# تودوراکیس، یانيس ریتسوس و دیگر شخصیت‌های برجسته یونان:

## “جان قربانیان این توطئه شوم رانجات دهید!”

“ کمیته همبستگی با دمکراتهای درینسند ایران ” در یونان بدرتاریخ ۵ دسامبر (۱۴ آذر) تلگرامی به دولت ایران مخابره نمود، که مضمون آن بدین قرار است :

“ ششم دسامبر ( ۱۵ آذر ) ، محاکمه رهبران و اعضای حزب توده ایران به کارگردانی مسئولین حکومتی ج ۱۰ و بر پایه “اعترافات” که به زور شکنجه کسب شده است آغاز می شود . کمیته همبستگی در یونان ، بارها به سفارت ایران مراجعه و درخواست کرد که بهیاتی بین-المللی ، مرکب از پزشکان و حقوق دانان اجازه دیدار با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک داده شود ولی این تقاضا هم چنان یلا جنواب مانده است ، همان گونه که به طرح این درخواست از طرف کلیه سازمان های بین المللی ، پاسخ داده نشده است .

جان این مبارزین را خطر جدی تهدید می کند ؛ باید سریعاً اقدام کرد .

“ کمیته همبستگی با دمکرات های درینسند ایران ” در یونان ، از کلیه سازمانها ، احزاب و نیروهای مترقی این کشور دعوت می نماید تا با دست زدن به ابتکارات گوناگون به نجات جان قربانیان این توطئه شوم ، برخیزند . ” اسامی شخصیت هایی که تلگرام اعتراضی فوق را امضاء کرده اند ، به قرار زیر است :

• تئودوراکیس میکس ، نماینده مجلس و آهنگساز  
• ریتسوس یانيس ، شاعر • پایا میخائیل یانيس ، رئیس کنفدراسیون عمومی کارگران یونان • بایس د یچیریس ، شهردار آتن • سوفیا نیدییس اسپیریس ، دبیر کل حزب دهقانان یونان • ماخراس ارگکوس ، رئیس سندیکای حقوقدانان آتن • آلا ونوس آلکوس ، نماینده یونان در بازار مشترک اروپا • کالودیس نیکوس ، نماینده مجلس کاساکوس کوستاس ، دبیر کل جنبش هنرمندان سرتاسری یونان .

### سفارت ج. ا. در آتن ، از پذیرش تلگرام اعتراضی حزب کمونیست این کشور ، علیه پربانی دادگاههای فرمایشی توده ای های درینسندسراز می زند

حزب کمونیست یونان ، در تاریخ ۷ دسامبر ( ۱۶ آذر ) ، تلگرامی بدین مضمون خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰ ، مخابره نموده است . “ دادگاهی که در تاریخ ۶ دسامبر ( ۱۵ آذر ) ، برای رسیدگی به اتهامات ساختگی اعضای حزب توده ، ایران آغاز شده ، در واقع دادگاهی است علیه ، مبارزان راه آزادی ، که سالیان سال علیه رژیم شاه و در راه منافع زحمتکشان و استقلال میهن شان پیگار کردند .

علیه ایران و حمایت آشکار نظامی از رژیم صدام - حسین بهره می گیرند و بعب گذاری ها و حمله به سفارت خانه های امپریالیستی در لبنان و کویت را بهانه تشدید جنگ روانی و زمینه سازی دخالت نظامی در منطقه می کنند ، در عین حال به تناسب خضوع و کرنش روز افزون ارتجاع حاکم بر ج ۱۰ ، که چاره بین بست جنگ را تسلیم کامل در برابر مطامع امپریالیسم و قربانی کردن بقایای انقلاب می داند ، نیازهای اقتصادی و تسلیحاتی آنان را بیش از پیش بر آورده می سازند ، و آنان را به همسویی و هم آهنگی سیاسی هر چه بیشتر با امپریالیسم جهانی دعوت و تشویق می کنند .

محاکمات رسوای اخیر ، مرحله نوینی در هم - بسویی سیاسی با امپریالیسم جهانی و جنبش جنس نظر امپریالیست هاست . محافل امپریالیستی آشکارا سرکوب گران ایران را به قاطعیت و قساوت هر چه بیشتر در تحقق بخشیدن به آرزوهای دیرینه امپریالیسم جهانی ، تشویق می - کنند ، و از زیان - خبرگزاری یونایتد پرس رهنمود می - دهند که از آنجا که حزب توده ، ایران طی دوران موجود پیش با دولت های گوناگون ایران مبارزه می کرده است ، باید به شدت بدترین وجه مجازات شود .

بدون تردید زحمتکشان میهن ما و همسره انقلابیون راستین با درک مسئولیت تاریخی خود در برابر سرنوشت انقلاب پاسخی شایسته را به خیانت حاکمیت ج ۱۰ به اهداف انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن خواهند داد . \*

### آغاز “محاکمات”

بقیه از صفحه ۱۵

“ ۰۰۰ اگر هدف اینست که ملت های تمام کشورهای حوزه خلیج فارس با هم در حالست مسالمت آمیز زندگی کنند ، پس باید این طرح را توسعه داد و کامل نمود و این طرح کامل نمی شود مگر اینکه ج ۱۰ به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد ” (اطلا - عات ، ۱۴ شهریور ۶۲) .

امروز حاکمیت ج ۱۰ آشکارا اعلام می کند ، که آمریکا دیگر مدافع رژیم صدام نیست ، و جنگ با عراق دیگر جنگ با آمریکا محسوب نمی شود ؛ “ فکر می کنیم خود آمریکایی ها هم از صدام نلایم شده باشند ” ( شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت خارجه ۲۰ آبان ۶۲) .

در چنین شرایطی امپریالیسم جهانی به سر - کردگی امپریالیسم آمریکا که رگ خواب حاکمیت ج ۱۰ را شناخته است ، با دقت و حیلگی تمام ، از پی آمده های مختلف جنگ فرسایشی ایران و عراق ، به کمک سیاست “ جعاق و حلوا ” ، پسرای تسریع روند مسخ انقلاب و به ژانو در آوردن کامل جمهوری استفاده می کند . امپریالیست ها ، با تقسیم کار میان خویش ، رژیم صدام را بیش از پیش به آخرین سلاح های تهاجمی مجهز می کنند ، و از تهدید های پیچ و موضع گیری های از اساس نادرست توسعه طلبان ج ۱۰ در باره بستن تنگه هرمز برای گسترش حضور و تهدید و فشار نظامی

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ، علیه سر - پائی دادگاه های درستمای ، که برای این میهن - پرستان ترتیب داده شده ، شدیداً اعتراض می - نماید و خواستار آن است ، که کمیته ای بین المللی ، مرکب از حقوقدانان و خبرنگاران ، ناظر بر جریان محاکمات باشد ، تا حقیقت “ اتهامات ” برای افکار عمومی آشکار گردد .

این تلگرام ، توسط هیاتی مرکب از رفقا : تاکیس آداموس عضو کمیته مرکزی ، آباتیلیسوس آدوینس و گئورگ پایا فدروس ، جهت تحویل به سفارت ج ۱۰ ، در آتن یرده شده ، ولی مقامات سفارت ، از دریافت آن خودداری نمودند و حتی از پذیرفتن هیات بلند پایه مذکور به محل سفارت - خانه ، جلوگیری به عمل آوردند .

تلویزیون سراسری یونان چگونگی واقعه و نیز متن تلگرام را به تفصیل پخش کرد و روزنامه های مترقی این کشور نیز ، متن کامل این تلگرام را به چاپ رساندند . \*

### توجه

به علت تراکم مطالب ، تعداد محدود صفحاتت “ راه توده ” و کمبود جا ، درج بخش اعظم تلگرام ها ، نامه ها ، پیام ها و اقدامات اعتراضی احزاب و جمعیت ها و محافل مترقی و دمکراتیک جهان از جمله دانمارک ، اطریش ، ایتالیا ، هندوستان ، آمریکا ، انگلستان و ۰۰۰ در این شماره ممکن نشد!

### کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آمریکا (منطقه میانه) هزینه چاپ این شماره “راه توده” را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 72

Friday, 16 Dez. '83

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

